

در تفلیس کردند. هرچند که چاپ ندای آزادی در حد امکانات آنان بود، لیکن کوشش ایشان بعزت سنگینی مخارج حاصی نداد.^{۴۱}

تمایل اصلی گروههای سری ماوراء قفقاز كمك به ارمنیان ترکیه بود اما این گروهها برنامه متشکلی در مورد فعالیت خود نداشتند.^{۴۲} اولین گام بسوی تلاش فی مابین بصورت تأسیس انجمن ارمنستان جوان (بری تاساردها یاستان) که بعدها عامل رشد قدراسیون انقلابی ارمنیان گشت برداشته شد.

عملیات انجمن ارمنستان جوان

۱۸۸۹-۱۸۹۰

انجمن ارمنستان جوان در زمستان ۱۸۸۹^{۴۳} تحت رهبری کریستوفر میکائیلیان در تفلیس تشکیل شد دیری نگذشت که این انجمن بنام (یوژنی نو مرا) بمعنای (پانسیون جنوبی) نامیده شد و این نام از پانسیون مشتق شده بود که جلسات انجمن در آن صورت می گرفت.

هدف اساسی سازمان اعزام عده ای به آنسوی مرز ترکیه بمنظور اعمال جزائی بر علیه اکراد بود. آنها معتقد بودند که ارمنیان با چنین اعمالی توجه دول اروپائی را جلب خواهند کرد و اینکه آنها مجبور خواهند گشت که اصلاحات ماده شصت و يك معاهده برلین را بقوه جبر بر حکومت عثمانی تحمیل کنند. از جمله سایر وظایف سازمان متحد ساختن عملیات سایر گروهها و اعزام عده ای کارشناس

به ترکیه عثمانی بمنظور کسب اطلاعات درباره اوضاع مردم و امکانات جنبش و همچنین آماده ساختن مردم در ماوراء قفقاز روسیه برای نبرد مسلحانه و اجتماعی آینده در خاک ترکیه و بالاخره قاچاق اسلحه به ترکیه عثمانی از طریق مرز ایران بود^{۴۴}. اعضای انجمن ارمنستان جوان را عده‌ای زن و مرد که گروهی از آنها دانشجو بودند تشکیل میدادند^{۴۵}. هسته مرکزی سازمان همانا گروه دروشاک (بمعنای پرچم) بود.

این گروه داخلی در تفلیس تشکیل شده لیکن در مدتی اندک در سایر شهرها و آبادیهای روسیه و ترکیه نیز شعباتی دایر کرد.

اوکویان Okoyan نامه‌ای به ترکیه فرستاد تا به تشکیل کمیته‌ای در ارضروم بپردازد^{۴۶}. در تابستان ۱۸۹۰ (م. شاتیریان) عازم الکساندرپول و آبادیهای ناحیه شیراک و قارص شده و سایر کمیته‌های دروشاک را ایجاد کرد^{۴۷}. تبریز مرکز گروه ایران شد و در اینجا تیگران ستپانیان، که تحصیلات علمی خود را در مسکو به آخر رسانیده بود، کارخانه اسلحه سازی کوچکی تأسیس کرد. اسلحه را از طریق تبریز به وان حمل میکردند^{۴۸}. این شعبات دروشاک در روسیه، ترکیه و ایران بعدها بصورت حزب سیاسی جدید یعنی فدراسیون انقلابی ارمنی، یاداشناکسوتیون درآمد. انجمن ارمنستان جوان در مدت عمر کوتاه خود (۱۸۸۹-۱۸۹۰) بسیار فعال بود.

این انجمن دو نفر به اسمای مارتیروس مارگاریان و هوسپ

آرفوتیان را مأمور تحقیق در ارمنستان ترکیه کرد^{۴۹}. در واقع علاقه شدیدی نسبت به ایالات ارمنی نشین ترکیه احساس میشد و سایر ارمنی‌های روسیه نیز گرم تحقیقات و بررسی‌های مشابهی بودند. عده‌ای بطور انفرادی عازم (سرزمین اجدادی) شدند و گروهی از دانشجویان مسکو نیز انجمنی را تشکیل دادند. انجمن ارمنستان جوان بطور موثری با دانشجویان سن پترزبورگ که رهبر آن، سرکیس گوگونیان Sarkis Googoonian تدارك حمله به ارمنستان ترکیه را می‌دید همکاری داشت^{۵۰}. اما تنی چند نیز گام‌هایی را در سنوات ۱۸۸۹ و ۱۸۹۰ ایجاد کرده و با انجمن ارمنستان جوان پیوستگی نیافتند.

دانشجویان مسکو و سن پترزبورگ مرتباً بسوی ماوراء قفقاز سرآزمیشدند تا مجمعی مختص به خود دایر کنند. مفسرین آرمناکان و خرابکاران نیز کراراً از مرز روسیه و ترکیه گذشته و اطلاعات جدیدی را از منطقه وان می‌آوردند. هونچاک‌ها نیز خان‌آزات را بسال ۱۸۹۰ مأمور تفلیس کردند تا شعبه دیگری را در آنجا دایر کند اما تلاش اولیه وی در الحاق سایر انقلابیون به حزب هونچاک باشکست مواجه شد^{۵۱}. در این اوان جریده‌های ارمنستان و هونچاک نیز خوانندگان بسیار پیدا کرده و مبشر شناخت‌های نوین بودند.

در سنه ۱۸۹۰ دو واقعه مهم در ترکیه رخ داد که ضرورت مبرم برنامه‌ای اساسی‌تر از آنچه را که انجمن ارمنستان جوان طرح

کرده بود محرز ساخت این دو واقعه یکی اغتشاشات محلی ارضروم در ۲۰ ژوئن ۹۲ بود و دیگری دموستراسیون کوم کاپو در پانزده ژوئیه. این دو واقعه غالب کسانی را که در روسیه بسر می بردند بر آن داشت تا اطمینان حاصل کنند که انقلاب مشکلی در ترکیه در شرف وقوع است. انقلابیون روسیه تزاری مایل بودند که به تسریع نهضت ترکیه کمک کنند اما تلاشهای آنها بی ثمر ماند.

وقایع ژوئن و ژوئیه ۱۸۹۰ در ترکیه انقلابیون را واداشت تا سازمان سیاسی جدیدی را تأسیس کنند. کمیته ای مخفی به طرح نقشه ای پرداخت تا بتواند گروههای متعدد موجود را بصورت يك فدراسیون نیرومند در آورد. گریگور آردزرونی، ناشر (موشاك) که جزو اعضای برجسته جامعه بود، سرپرستی تشکیل سازمان جدید را بر عهده گرفت. حتی یکی از تجار تفلیس بنام آراکل زاتوریان، مبلغ یکصد هزار روبل نیز بوی پیشنهاد کرد تا در يك کشور بیگانه هم شعبه ای دایر نماید و از آنجا به سرپرستی سازمان سیاسی پردازد.^{۹۳} آردزرونی این مبلغ را رد کرد و ترجیح داد که در تفلیس باقی بماند و به نشر موشاك ادامه دهد.^{۹۴} اما ارمنیان دیگری در روسیه بسر می بردند که در تشکیل حزب سیاسی جدید پیشقدم شدند.

ارزیابی مختصر ۱۸۹۰ - ۱۸۶۸

اینك وقت آن رسیده بود تا تمامی گروههای انقلابی ارمنی در روسیه با هم متحد شده و تحت يك لوا در آیند. چنانچه قبلا در این

فصل شرح داده شد، بین سنوات ۱۸۶۸ و ۱۸۹۰ انجمن‌ها، مجامع و سازمانهای متعددی وجود داشتند که غالباً از دانشجویان و روشنفکرانی تشکیل شده بودند که به آزادی ارمنیان ترکیه علاقه داشتند. این دوره را میتوان به دو قسمت کلی تقسیم کرد. نخست از ۱۸۶۸ تا زمان جنگ روس و ترك (۱۸۷۸ - ۱۸۷۷) و دیگری دوره پس از جنگ بین سنوات ۱۸۷۸ و ۱۸۹۰.

پیش از آغاز جنگ روس و عثمانی دو سازمان وجود داشتند که به ایجاد شورش در ارمنستان ترکیه علاقمند بودند. اینها انجمن حسن نیت (۱۸۷۵ - ۱۸۶۸) و فداکاری در راه سرزمین اجدادی (۱۸۷۵-۱۸۷۴) بودند. با توجه به مدارك موجوده، نمیتوان درباره ایدئولوژی خاص این دو انجمن مطلبی ابراز داشت و حتی درباره روابط آنها با انقلابیون غیر ارمنی نیز اطلاعی در دست نیست. جنگ روس و ترك و توافق های بین المللی پایان جنگ از قبیل معاهده سان ستیفانو، اجلاسیه قبرس و معاهده برلین، علاقه ملل را به مسئله ارمنیان افزایش داد.

این علاقه تشدید شده بین ارمنیان روسیه نیز پدیدار گشت و حمیت ملی آنها که بین افراد مشهود بود، بصورت گروههای متشکله ۱۸۷۸-۱۸۹۰ ابراز شد. احساسات وطن پرستانه در سنوات هشتاد به غلیان درآمد و مبارزه روسی ضد ارمنی که از طرف حکومت تزاری آغاز شده بود، به این احساسات دامن زد.

پس از اتمام جنگ بین ارمنیان روسیه سازمانهای انقلابی متعددی رشد کردند که هدف آنان امور ارمنستان ترکیه بود. کلیه این گروهها خواستار نوعی دگرگونی در اوضاع آن ناحیه بودند و کسب این منظور را نیز تنها از طریق انقلاب تشخیص دادند. ارمنیان روسیه بطور کلی نسبت به امکان آزادی ارمنیان عثمانی خوش بین بودند. انقلابهای موفقیت آمیز یونانیها و بلغاریها موجب شد تا انقلابیون ارمنی روسی بر این عقیده پابند شوند که ارمنیان نیز خواهند توانست از اسارت امپراطوری عثمانی خلاص گردند. آنها نتایج درخشان انقلابهای ملل - مزبور را دیده و در نوشته های خود قید کردند که ارمنیان نیز باید برای کسب استقلال از چنان روش هایی استفاده نمایند.

در سنوات هشتاد ارمنیان بسیار از مجامع روسی کناره گرفته و گروههای قومی خود را تشکیل دادند. غالب روشنفکران و دانشجویان جوان که از طریق انجمنای مخفی روسی برای اصلاحات روسیه فعالیت میکردند به تشکیل گروههایی پرداختند که در بدو امر سیاست ارمنیان را در مد نظر گرفته بودند. نفوذ و ایده هایی را که ارمنیان از مجامع انقلابی روسی کسب کردند بر امور آنها نیز اثر گذاشت. قوه تئوریهای انقلابهای روسی بطور قابل توجهی ارمنیان را به فعالیتهای انقلابی ترغیب نمود. این نفوذ ایدئولوژی در بین سازمانهای انقلابی ارمنی که پس از جنگ روس و ترك تأسیس

گشتند کاملاً هویدا بود. تقریباً تمامی سازمانهای ارمنی روسیه تحت رهبری کسانی بودند که جزو اعضا و یا همکاران نزدیک احزاب روسی محسوب میشدند. آن عده را پیروان فلسفه‌های جامعه‌شناسی «میکائیلوسکی» و لاوروف و همچنین اعضای انجمن‌های انقلابی روسی، بالاخص (نارودنایا ولیا) تشکیل میدادند.

انجمن‌های انقلابی ارمنیان روسیه، پیش و بعد از دوره جنگ روس و ترك (۱۸۹۰-۱۸۶۸) خود را وقف نهضت انقلابی ارمنیان کردند. آنها به طغیان احساسات وطن‌پرستانه پرداخته و انقلاب ارمنستان ترکیه را دامن زدند و بین ارمنیان روسیه و ترکیه نوعی وحدت ایجاد نمودند. برخی از این انجمن‌ها بخصوص اتحادیه وطن‌پرستان (۱۸۸۶-۱۸۸۲) به انتشار مقالات سوسیالیستی که هدف آنها همگانی ساختن ادراك نسبی مسئله ارمنیان بود پرداختند. در سنوات ۱۸۹۰-۱۸۶۸ تلاشی صورت گرفت تا اسلحه و مهمات به ارمنستان ترکیه برده شود و عده‌ای کارشناس و خرابکار به آنجا اعزام شدند. انجمن‌های این دوره همگی در اجرای هدف خود مربوط به آزاد ساختن ارمنستان ترکیه با شکست مواجه شدند. در این مرحله از نهضت، بین اکثریت گروه‌هایی که در مناطق مختلف روسیه پراکنده بودند، تماس کافی وجود نداشت. این گروه‌ها کوچک بوده و بطور تدریجی موجودیت یافته بودند. در سال ۱۸۹۰ - احتیاج مبرمی به وحدت تمامی گروه‌های مختلفه و استقرار برنامه‌ای بمنظور

یاری در اجرای آرمان ارمنیان ترکیه احساس شد.

میل به ایجاد يك جبهه انقلابی معلول توجه خاص ارمنیان روسیه به برادران خود در آنسوی مرز بود. کسانی که جزئی از جبهه جدید شدند، همانا پرورش یافتگان مکتب **آبوویان**، **نالبندیان**، **کارمارکاتیان** و **رافی** و همچنین گروههای وطن پرستان ارمنی روسیه سنوات ۶۰ و ۷۰ و هشتاد بودند. آنان با بنیاد گذاشتن يك حزب سیاسی جدید بنام فدراسیون انقلابی ارمنیان، یا **داشناکسوتیون** به پیشواز سنوات نود رفتند.

فصل هفتم

فدراسیون انقلابی ارمنیان یا داشناکسوتیون

۱۸۹۰-۱۸۹۶

فدراسیون انقلابی ارمنیان که بدوابعنوان فدراسیون انقلابیون ارمنی شناخته میشد، وبطوراختصارداشناکسوتیون (فدراسیون)^۱ نامیده میشود، نتیجه اتحادگروههای مختلفه ارمنی،بالاخص ساکنین روسیه وتشکیل يك حزب سیاسی واحد بود. کسانی که در تابستان ۱۸۹۰ این وحدت سیاسی را ایجاد کردند، عبارت بودنداز کریستوفر میکائیلیان (۱۸۵۹-۱۹۰۵) ستپان زوریان (رستم یا کسوتوت) (۱۸۶۷-۱۹۱۹) وسیمون زاواردیان (۱۸۶۶-۱۹۱۳)^۲.

پیدایش حزب

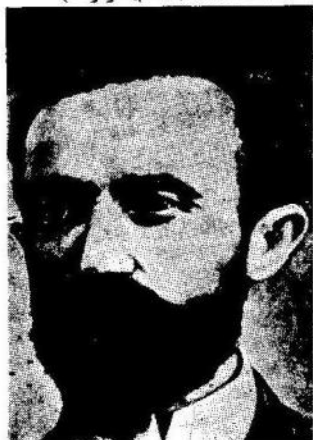
در مورد معاهدات ومذاکرات اولیه ای که در تابستان ۱۸۹۰ منجر به پیدایش داشناکسوتیون در تفلیس شد، مدارکی در دست نیست واز جزئیات مذاکرات ومعاهدات وباسامی شرکت کنندگان به نمایندگی از طرف گروههای مختلفه اطلاعی نداریم. تنها يك سند



ستپان زوریان (رستم باکو توت)



کریستوفر میکائیلیان



سیمون زاوریان

که مربوط به این اولین ملاقات است، (بیانیه) حزب می باشد که باقی مانده . روز دقیق تأسیس دانشناکسوتیون نامعلوم است و نویسندگان حتی در مورد ماه تأسیس آن نیز اتفاق نظر ندارند^۳ .

پیش از آنکه این فدراسیون تشکیل شود، عده ای در صدد تهیه برنامه خاصی برآمدند نامورد پسند تمامی گروههایی باشد که اعضای آنها در مورد حوادث ارمنستان نظریات مخالف و تندی داشتند . گروهی تنها به فعالیتهای ساده آموزشی فرهنگی در ارمنستان علاقمند بودند و عده ای که روحیه انقلابی داشتند در مورد ناحیه جغرافیائی مورد نظر که قصد فعالیت در آنجا را داشتند و همچنین در فلسفه های سیاسی خود مصر بودند .

انقلابیون ناسیونالیست غیر سوسیالیست توجه خود را بر پیدایش نهضت آزادی در ارمنستان ترکیه معطوف داشته بودند . اینان را کسانی تشکیل میدادند که با حزب آرمناکان و سایرین به خصوص با دانشجویان ارمنی سن پتراسبورگ که سرمایه دار ارمنی روسی یعنی گستانتین خاتسیان Kostatin khatisian را به نمایندگی خود برگزیده بودند، همدردی میکردند . گروه موخر را (شمالی ها) مینامیدند و این نام از سر رشته داری آنها در پانسیون تفلیس (سورنی-نوموا) یا (پانسیون شمالی) مشتق شده بود . انقلابیون سوسیالیست نیز هر چند که در ایده تئولوژی خود اختلاف نظر داشتند لیکن قبل از هر چیز تحت تأثیر افکار روسی، به الاخص تنوریهای سوسیالیستی

تظاهرات مهین پرستانه آرامنه در روز جشن استقلال ارمنستان



لاورف و میکائیلوسکی قرار گرفته بودند . غالب آنها جزو اعضای انجمن های انقلابی مخفی روسیه نظیر نارود نایا ولیا بودند .

از طرف دیگر انقلابیون سوسیالیست ارمنی را میتوان به دو گروه تقسیم کرد . نخست آنها که میخواستند با انقلابیون روسی و گرجی در برانداز کردن رژیم تزاری همکاری کنند و دیگر آنها که نظیر ناسیونالیست های غیر سوسیالیست فوق الذکر ، قصد داشتند تمام هم خود را صرف آزاد ساختن ارمنستان ترکیه سازند . سوسیالیست های هر دو طبقه صرفاً مورد حمایت دانشجویان ارمنی مسکو بودند . آنها در تفلیس ، در پانسیون (یوژنی نومرا) (پانسیون جنوبی) گرد میآمدند و بهمین دلیل بعنوان جنوبی ها نامیده میشوند . دیگر از جمله انقلابیون سوسیالیست که به ارمنستان ترکیه گرایش داشتند میتوان اعضا و وابستگان حزب انقلابی مارکسیست خواه هونچاکیان را نام برد .

پیش از آنکه نمایندگان بتوانند اختلافات خود را حل کرده و اتفاق نظر پیدا کنند ، جلسات بسیاری در تفلیس تشکیل شد . بدانگونه که خان آزات می نویسد ، پنج مسئله مهم در برابر نمایندگان وجود داشت که عبارت بودند از :

۱ - سوسیالیسم بعنوان يك هدف .

۲ - نام حزب جدید .

۳ - محل اداره مرکزی حزب .

۴ - جریده رسمی حزب .

سوسیالیسم بعنوان يك هدف

تقبل سوسیالیسم بعنوان یکی از هدفهای حزب جدید جزو خواسته های حزب انقلابی هونچاکیان بود که توسط نماینده آنها ، خان آزات در تفلیس ابراز شد . هونچاکیها از این می ترسیدند که مبدا حزب آنها در صورت پیوستن به فدراسیونی که حامی آمال سوسیالیست نباشد تحت تسلط برژوازی قرار گیرد . از سوی دیگر ، کلمه سوسیالیسم از نکته نظر غالب نمایندگان در تفلیس پیچیده بود و تفهیم آن دشوار بنظر میرسید .

کریستوفر میکائیلیان و سیمون زاواریان دوتن از رهبران حزب موفق شدند که بین هونچاکیهای مارکسیست و نمایندگان ضد سوسیالیست ایجاد یگانگی کنند. هر دو شخص مزبور جزو اعضای (نارودنایا ولیا) بودند و وفاداری و ثبات آنها در راه هدف سوسیالیست بهیچوجه مورد تردید خان آزات هونچاکی نبود . آنها علاوه بر این جزو دوستان جمعی نماینده هونچاک محسوب میشدند و به وی قول داده بودند که سرپرستی ایشان در سازمان جدید موجب وقفه در نهضت آزادی خواهد گشت .

میکائیلیان و زاواریان با چنان روشی کار میکردند که مبدا سایر نمایندگان مخالف سوسیالیسم را به جرگه خود راه دهند. آنها

دقت میگردند تا عباراتی را بکار برند که با بکار بردن آنها، مفهوم کلمه سوسیالیسم را بدون ذکر خود این کلمه تشریح نمایند و بدین ترتیب در بیانیه داشتند که به هرگونه مخالفتی خاتمه داده شد زیرا در بیانیه چنین نوشته شد که هدف حزب «استقلال اقتصادی و سیاسی ارمنستان ترکیه...»^۷ است .

خان آزات موافقت کرد که این پیشنهاد را بعنوان مدرکی مبنی بر اینکه سوسیالیسم بعنوان جزئی از برنامه پذیرفته شده است قبول کند. باری، سر رشته داری حزب هونچاکیان در ژنو خواستار اطمینان خاطر بیشتری در نشریه سوسیالیست بود . بهمین منظور نمایند، دیگری موسوم به ها کوب مغاوریان را به تفلیس اعزام داشتند .

مقاواریان Meghavarian زمانی وارد تفلیس شد که کنفرانس ها در حال پیشرفت بوده و معاهدات مربوطه بین روسا منعقد میشد . بین حزب انقلابی هونچاکیان و سایر نمایندگان توافق بعمل آمده و دو نماینده هونچاک قرار داد فی مابین را امضاء کردند^۸ . هونچاکیها بموجب این قرار داد موافقت کردند که حزب خود را منحل ساخته و جزو داخله دانشا کسونیون شوند . علی ایحال، انحلال کامل حزب هونچاکیان بمعنای وسیع کلمه صورت نگرفت و چنانچه در صفحات آتی خواهیم نوشت، هونچاکیها بسرعت بسیار از حزب جدید التاسیس منفصل شدند و بطور مجزا به فعالیتهای خود ادامه دادند .

نام حزب و مراکز آن

هنگامیکه حزب هونچاکیان برای نخستین بار علاقمند به همکاری با فدراسیون پیشنهادی شد، لزوم انتخاب يك نام جدید که باب طبع مارکسیستی‌ها و سایر گروه‌ها می‌بود احساس گشت. مناسب‌ترین و گویاترین نامی که مورد موافقت قرار گرفت، فدراسیون انقلابیون ارمنی (های حق‌پو و خاکسازری داشناکسوتیون) . Hai Hegha Pokhakanneri Dashnaksu thiun بود که بطور عامیانه (داشناکسوتیون) به معنای فدراسیون نامیده می‌شد. سر رشته‌داری حزب جدید در تربی زوند انتخاب گشت. خان‌آزات این شهر را بعنوان رابط بین ژنو و مرکز هونچاک یعنی تفلیس که در عین حال موطن غالب داشناک‌ها نیز بود پیشنهاد کرد. هر چند که تربی زوند انتخاب شد، معهدا پر واضح است که مرکز فعالیت‌ها شهر تفلیس، یعنی مقر غالب رهبران حزب جدید بود.

کمیته مرکزی که قوه اصلی اداری محسوب می‌شد از پنج نفر تشکیل شده بود که غالب آنان به زندگی در پایتخت گرجستان ادامه دادند. این پنج نفر که به سمت مدیریت عامل انتخاب شدند عبارت بودند از کریستوفر میکائیلیان، سیمون زاواریان، آبراهام داستاکیان^۹، لویی میکان، ولئون سرکیسیان. آنان سیستم مرکزی اداره حزب را که از اتحاد و جمعی ایجاد شده بود تا سال ۱۸۹۰ اداره نمودند^{۱۰}.

جرائد رسمی حزب

نمایندگان موافقت کردند که دو جریده هونچاک و دروشاک منتشر سازند. جریده نخست بوسیله آوتیس نظربکیان و کریستوفر میکائیلیان در ژنوبه چاپ میرسید و حکم ارگان علمی دانشناکسویتون را داشت که بطور ماهیانه منتشر میشد. دیگری که یک جریده جدید بود، (دروشاك) نامیده میشد و این نام از گروه سری اسبق ارمنیان روسیه مشتق شده بود و در تفلیس به طبع میرسید. این جریده هفتگی بوده و حکم ارگان انقلاب زای حزب را داشت. هیئت تحریریه در تاریخی متعاقب تشکیل کمیته انتخاب شد.

لشگر کشی گوگونیان

در حینی که کنفرانس تفلیس در شرف تکوین بود، یکی از دانشجویان سابق سن پترزبورگ بنام سرکیس گوگونیان - Sarkis Gogoonian به مغشوش کردن ذهن مردم و ترغیب آنها به بسیج نظامی پرداخت، گوگونیان به پشت گرمی از اغتشاشات کوم کاپو و اضرار ترك تحصیل کرده و بمنظور تلاش در راه استقلال ارمنستان ترکیه عازم ماوراء قفقاز شد. او بمدت چند ماه به بسیج جنگجویانی پرداخت که بتواند وارد مرکز ترکیه شده و بصورت دسته جات چریکی تقسیم شوند و به اختلال و خرابکاری بپردازند. گوگونیان اطمینان خاطر داشت که يك چنین هرج و مرجی دول اروپائی را جبراً به یاد

و عده اصلاحات ارمنستان خواهد انداخت .

نقشه گو گونیان در مورد حمله به ارمنستان ترکیه توجه نمایندگان تفلیس را که طبیعتاً به چنین مواردی علاقه داشتند جلب کرد . آنان مایل بودند که حمله گو گونیان تحت رهبری ایشان صورت گیرد و برای این منظور کسی را نزد گو گونیان فرستادند تا ویرا در مورد ایجاد **داشتاکستیون** مطلع سازد . به گو گونیان گفته شد که بدون ائتلاف وقت با افراد خود وارد ترکیه شود چه هر آن امکان دارد که دولت روسیه پی به نقشه او برده و حکم بازداشتش را صادر نماید . آن شخص پس از دیدار گو گونیان به روسای خود اطلاع داد که گو گونیان میل به تقبل حزب سیاسی جدید ندارد و هنوز آماده عبور دادن افراد خود از مرز نیست ^{۱۱} . حمله گو گونیان به ارمنستان ترکیه ، که در صفحات آتی شرح داده خواهد شد ، در سپتامبر ۱۸۹۰ یعنی زمانی که نمایندگان آخرین جلسات خود را به پایان می‌رسانیدند ، صورت گرفت .

بیانیه

تصمیماتی که در تابستان ۱۸۹۰ دو تفلیس اتخاذ شد ، در بیانیه سازمان جدید منتشر گشت . این سند مؤید این بود که « مسئله ارمنیان به مرحله تازه‌ای رسیده است . ارمنستان ترکیه دیگر برده (پلیس ضابط فرمانروایان طرار) نیست . »

حزب تحت لوای فدراسیون انقلابیون ارمنی (مردم رابه جنگ با دولت عثمانی) واداشته بود و هدف آن آزاد کردن سیاسی و اقتصادی ارمنستان عثمانی بود. آنها دیگر طالب پشتیبانی اروپا نبودند زیرا تجربه ثابت کرده بود که هرگونه اتکاء و پشت گرمی بی ثمر خواهد بود. دانشاکیها اعلام داشتند که صبر و بردباری حد و حصری دارد و توحش در ارمنستان به غایت خود رسیده است. ارمنیان تصمیم گرفته بودند که «از حقون حقه خویش، از اموال خود، از شرف و خانواده خود با دست خویشتن دفاع کنند» و اینک آزادی ارمنستان ترکیه را میخواستند. سندهمبور تمامی وطن پرستان واقعی رادعوت کرده بود تا با سازمان جدید هم پیمان شوند و در پایان، این جمله به چشم میخورد که: ارمنیان، بیائید متحد شویم و بدون ترس و واهمه وظیفه مقدس کسب آزادی ملی خود را به انجام رسانیم^{۱۲}.

بیانیه بطرزی احساساتی برشته تحریر درآمده بود. باری، اگر بیانیه را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، لزوم تشریح آن نیز وجود خواهد داشت. اولاً اینکه منظور نظر دانشناک از کلمه آزادی چه بوده و هدف از (جنگ مردم) بر علیه دولت چه بود؟ عبارت (آزادی اقتصادی و سیاسی ارمنستان ترکیه) بعنوان جایگزین کلمه (سوسیالیسم) در بیانیه نوشته شده بود. البته نمایندگان غیر سوسیالیست آن مطلب را بصورت هدفهای سوسیالیستی تعبیر نکردند و در نتیجه هرج و مرج و مشکلات دیگری پیش آمد دیگر اینکه آباداشناکیها

اروپا را بطور کامل بعنوان يك منبع و ملجاء رد کرده بودند؟ ارمنیان چگونه میخواستند (بادستهای خود) از خویشتن دفاع کنند؟ اگر این امر میسر می بود، چگونه و کجا از حمایت مالی و تجهیزات نظامی برخوردار میشدند تا بر قوای عظیم حکومت عثمانی فائق آیند؟

رهبران دانشناکسوتیون هدفهای ملی خود را ذکر کرده بودند اما چنانچه نقشه ای درباره بکار بردن این اتحاد وجود نمیداشت چگونه چنین اتحادی امکان پذیر میشد؟ این بلانکلیفی و تزلزل در طی دو سال آنچنان شدت گرفت که موجب اختلاف نظر غالب انقلابیون گشت.

جزئیات حمله گوگونیان

پیش از آنکه دلسردی و نارضایتی شدیدی احساس گردد، توجه انقلابیون ماوراء قفقاز به وقایع مربوط به نقشه های سرکیس گوگونیان جلب شد^{۱۳}. حزب بدنبال کنفرانس اولیه در تفلیس، به این نتیجه رسید که در آن هنگام، حمله گوگونیان دیگر مناسب نخواهد بود چه آن جوان پیش از حد تأمل کرده بود. حزب سپس به کوششهای خود در مورد انصراف گوگونیان از نقشه بی فرجام دخول به ترکیه ادامه داد. آلمان نخست کستانتین خانی سیان و آنگاه زاواریان و هوسپ - آرقوتیان را به قارص فرستادند تا بارهبر حمله مذاکره نموده و او را منصرف سازند و آنگاه بوسیله نامه و تلگرام از او خواستند تا انصراف نظر حاصل کند. اما تمامی این تلاشها بی ثمر بود. حرکت گوگونیان

بسوی (رسالت الهی) بتاريخ ۲۳ سپتامبر ۱۸۹۰، بصورت نیروئی متشکل از ۱۲۵ تن که برخی سواره و عده‌ای پیاده بودند، آغاز شد.^{۱۴}

گروه کثیری از ارمنیان ماوراءقفقاز که ماه‌ها قبل، از تدارکات حمله آگاهی داشتند، آنان را بیدرقه نمودند. افراد با امید فراوان عازم سفر خرد بسوی سرزمین اجدادی شده و این سرود را خواندند:^{۱۵}

«باشد که دختران ارمنی بهر ما بگریند :»

«باشد که دلاوران اسلحه بدست ارمنی»

«بما ملحق شوند...»

نیروی مهاجم دو حرف م. ه را که مخفف (مایرهایستان) (مادر ارمنستان) و یا (میوتیون‌هایرنا سرنری) (اتحادیه وطن پرستان) بود بردوش خود دوخته و پرچمی را حمل میکردند که زنان جوان ارمنی قارص آنرا تهیه کرده بودند. بریک روی پرچم دو حرف م. ه و پنج ستاره در اطراف عدد ۶۱ (به نشانه پنج ایالت ارمنی و ماده ۶۱ معاهده برلین) دیده میشد و بر روی دیگر شعار آن زمان یعنی ورژ! ورژ! (انتقام، انتقام) در کنار یک جمجمه بچشم میخورد.^{۱۶}

امید نیروی مهاجم در مدتی اندک به یاس مبدل شد زیرا طی سه روز بعد مشقات بسیار متحمل گشتند. آنان از همان آغاز سفر جهت خود را گم کرده و وقت و آذوقه گرانبهای خود را صرف نمودند. مشکلات دیگر زمانی روی آور شد که آنان با قراولان مرزی

روس و افراد قبائل کرد برخورد پیدا کردند چه افراد طالب خون قربانیان خود بودند که در نهایت خونسردی بدست افراد این نیروی مهاجم بقتل رسیده بودند.^{۱۷}

افراد گوناگون، خسته و کوفته، گرسنه و تشنه در حال پیشرفت بودند ولی پیش از آنکه به مرز ترکیه برسند، مورد حمله قزاقهای روسی قرار گرفته و همگی بازداشت شدند.

آنان بمدت دو سال در زندانهای روسیه بودند و در طول این مدت تحقیقات دامنه دار و محاکمات پرسروصدائی در مورد آنان صورت گرفت و سرانجام همگی متهم به توطئه بر علیه حکومت تزاری شدند که هدف آن ایجاد يك ارمنستان متحده منجمله ناحیه تحت پرچم روسیه بود. دادگاه روسیه در ثبوت این اتهام به دو کلمه ۵۵ اشاره کرده و آنها را (میاتسیان هایباستان) یعنی (ارمنستان متحد) تعبیر نموده (مایر هایباستان) مادر ارمنستان یا (میونیون هایر ناسرنری)، (اتحاد وطن پرستان). بیست و شش تن از محکومین به حبس با اعمال شاقه محکوم شده و به مسیر تبعید گشتند.^{۱۸}

حمله ۱۸۹۰ گوناگون ب طور قطع يك شکست بود. دول اروپائی بهیچوجه توجهی به فلاکت ارمنیان ترکیه نکردند و ماده شصت و يك معاهده برلین نیز هنوز بلا اثر مانده بود. عده کثیری نابود شدند، مبالغ هنگفتی که بصورت اعانه جمع شده بود از بین رفته و روابط ارمنیان با افراد بطور بیهوده ای تیره تر شد.

هرچند که برنامه مزبور حکم يك ناکامی را داشت ، لیکن تاثیر بسزائی بر ارمنیان بخصوص ساکنین ماوراء قفقاز روسیه گذاشت. بدین معنی که خونریزی حکم نوعی فداکاری وطن پرستانه را پیدا کرد و قربانیان این آرمان را جزو قهرمانان شناختند^{۲۰}. در مورد ملت بطور اعم ، این واقعه حکم اولین اقدام بزرگ انقلابی را داشت که از ارمنستان روسیه سرچشمه گرفته و به ترکیه آسیائی ختم میشد. وارانندیان ، مورخ داشناک ، می نویسد که این واقعه حس یگانگی نیرومندتری را در بین ارمنیان ترکیه روسیه خلق کرد^{۲۱}. (هنری هاوارد) ، نماینده سیاسی انگلیس در سن پترزبورگ نیز چنین عقیده ای را بیان داشت. وی طی نامه ای که به سالیسبری فرستاده بود ، چنین نوشت : بهم پیوستگی مردم روسیه و ترکیه از لحاظ تعصبات وطن پرستانه در این واقعه ، برای من حائز اهمیت فوق العاده ای بود^{۲۲}.

لشگرکشی گوگونیان نمونه ای دیگر از روح عاصی آن دوره بود. این واقعه خود نشانه ای از احساساتی بود که در رنسانس ادبی قرن نوزده هویدا شد. مردن در راه سرزمین اجدادی ، ریختن خون و طلب آزادی لازمه تکامل (رسالت الهی) انقلاب تشخیص داده شد. در سال ۱۸۹۰ هونچاکهایک چنان عمل شجاعانه ای را بصورت دموکراسیون (کوم کاپو) بروز داده بودند. در این دوره مردان بسیاری چون (رافی خنت) ، پیدا شدند که رویای سرزمین جدیدی

را دیده و برای رسیدن به آن نقشه می‌چیدند. در اوائل سنوات نود برنامه‌ای برای تسخیر شهر قسطنطنیه طرح شد که منتج به اشغال تمامی مواضع پایتخت می‌گشت^{۲۳}. نقشه دیگر استفاده از بمب‌های دستی بوسیله مهاجمین آئی و آزاد کنندگان ولایات ارمنی ترکیه عثمانی بود. اما تمامی اینها حکم اتلاف وقت را داشتند.

سال ۱۸۹۲ در خوش‌بینی وطن پرستانه تنزل محسوسی بوجود آمد. این یاس نامدنی به‌سران داشناکسوتیون نیز نفوذ کرده و امکان داشت که منجر به انحلال حزب جوان گردد. هنگامیکه حزب در تابستان ۱۸۹۰ تاسیس شد، مردم ماوراء قفقاز براین گمان بودند که انقراض امپراطوری عثمانی قریب‌الوقوع خواهد بود. امپراطوری عثمانی دستخوش هرج و مرج‌های داخلی شده و دول معظمه نیز حریصانه ناظر زوال آن بودند و فقط جرقه‌ای کفایت میداد تا انقلابی سرگیرد و استبداد را سرنگون سازد. انقلابیون ارمنی فکر میکردند که قادر خواهند بود آن جرقه را ایجاد کنند و حمله‌گوگونیان نمونه اسف‌انگیزی از چنان فکرخود خواهانه و کودکانه‌ای بود. ماههای متمادی سپری شد، بدون آنکه عملی انجام شود تا دول اروپائی را وا دارد که مطابق معاهده برلین و برای استخلاص مردم به‌اعمال جبری در ترکیه عثمانی پردازد. در عوض، انقلابیون ارمنی ترکیه و روسیه دچار تعدی‌های سخت‌تری شدند.

دول عثمانی و روسیه و مسئله ارمنیان

عبدالحمید در سال ۱۸۹۱ سپاه حمیدیه را تشکیل داد. این سپاهیان صرفاً از افراد قبائل کرد بودند که آرایش آنها بصورت قزاقهای روسی بود. آنان در پایتخت حکم محافظین شخصی حمید را داشتند و در ولایات بصورت يك نیروی مرزی درمیآمدند. سپاه حمیدیه خدماتی برتر از حوائج نظامی سلطان انجام داد. بدین معنا که سیاست پان اسلامی سلطان را تقویت نموده و درعین حال رویه‌ای برای کناره‌گیری اکراد مسلمان از همکاری احتمالی با ارمنیان ناراضی ابداع کرد. جدا کردن دو ملیت يك امر عادی نبود چه هم ارمنیان و هم اکراد به مدتی بالغ بر سه دهه دوش بدوش هم بر علیه جور و ستم حکومت عثمانی جنگ کرده بودند.

گروه تازه تشکیل شده سلطان اختیار تام داشت تا هر آنچه را بخواهد در ولایات انجام دهد و آنان نیز به چپاول دهات ارمنی، خراب کردن محصول و قتل عام ساکنین پرداختند.^{۲۵} گروه حمیدیه به نابود ساختن و سائل معاش مسیحیان اکتفا نکردند زیرا وحشیگری آنها خسارات مالی زیادی نیز به ترکها^{۲۶} و اعراب^{۲۷} بی‌آزار و صلحجو وارد آورد. این گروه بقصد سرکوب کردن عملیات انقلابی ارمنیان تشکیل شده بود و البته اینان سربازان منظمی بودند که تنها بر علیه دسته‌جات پارتیزان فعالیت داشتند.

در آنسوی مرز ، یعنی ارمنستان روسیه ، تغییر چشم گیری در سیاست حکومتی مربوط به مسئله ارمنیان و روابط روس و عثمان بوجود آمده بود. دقیقاً در اوائل سنه ۱۸۹۰ بین روسیه و ترکیه^{۲۸} نوعی بهبودی مجدد در روابط بوجود آمد.

پان اسلاویسم حاصله در بحران سنوات هفتاد بلغار اینک در مجامع سیاسی و دیپلماتی تزاریست منفور شده بود . روسیه اینک علاقه چندانی به رنجهای مسیحیان ترکیه عثمانی نداشت و موقعیت ارمنیان دیگر مورد توجه حکومت روسیه قرار نگرفت . وضعیت ارمنیانی که در قلمرو تزاری ، زندگی میکردند ، طی دو دهه از جنبه عنایت و توجه ، به عداوت و کشتار تغییر یافت .

مهاکمه سیاسی (انجمن حسن نیت) و (فداکاری در راه سرزمین اجدادی) که در اواخر سنوات ۱۸۷۰ صورت گرفت به ارفاق در مورد مدافعین محکوم ختم شد. این طرز رفتار بامجازات شاق شرکت کنندگان اشکر کشی گو گوئیان در سنوات نود که چون برادران پیش از خود قوای خویش را علیه سلطان عثمانی بکار برده بودند ، تباین داشت. در سنوات ۱۸۸۰ نوعی مبارزه ضد ارمنی که جزئی از برنامه روسی بود آغاز شد . احساسات مردم ارمنی ورشد احزاب سیاسی باب طبع تزار نبود ، چه وی از این می ترسید که ارمنستان خود مختاریا مستقلی ویرا از ارمنستان روسیه که جزء کوچکی از سرزمین او بود محروم سازد .

علاقه روسیه به خاور نزدیک با آغاز احداث راه آهن سیبری در ۱۸۹۱ روبه زوال گذاشت. قسطنطنیه و بغاز مدنی طولانی به بوته فراموشی سپرده شدند چه توجه سن پترزبورگ به توسعه خاور دور و اقیانوس آرام معطوف شده بود.^{۲۹}

اصلاح روابط با ترکیه به رفع نقیصه امپراطوری تضعیف شده عثمانی در مورد کناره گیری دول اروپائی در زمانی که روسیه سیاست توسعه طلبانه خود را در خاور دور دنبال میکرد کمک شایانی نمود. تغییر رفتار روسیه نسبت به امپراطوری عثمانی ضربه ای بر پیکر انقلاب ارمنی بود زیرا مردم اینک گرفتار قلع و قمع ترکیه و روسی گرایی روسیه شده بودند.

داشناکسوتیون نو بنیاد با تغییر حاصله در سیاست بین المللی دچار ضربه مهلکی گشت و اغتشاشات داخلی نیز به فشارهای نامساعد خارجی اضافه شده و در حزب نوعی پراکندگی ایجاد کرد.

مبارزات حزبی

حزب انقلابی هونچاکیان در سال ۱۸۹۰ بموجب قرارداد امضاء شده در تفلیس توافق کرده بود که از فعالیت خود بصورت یک سازمان مجزأ منصرف شده و جزعلاینفک فدراسیون انقلابیون ارمنی گردد. در واقع شش ماه پس از این معاهده، غالب شعبات هونچاک در منطقه روسی، جزئی از فدراسیون نو بنیاد یا داشناکسوتیون گشتند. اما

برخلاف آنچه که انتظار میرفت، این اتحاد به ایجاد يك جبهه جنگی
يكنواخت و نیرومندتر كمکی نکرد.

هونچاكهای سابق بزودی از طرز رفتار اعضای داشناك
ناراضی شده و شكایات تندی به دفتر مرکزی در ژنو فرستاده و یادآور
شدند که در مورد آنان بطور تساوی رفتار نمیشود و اینکه حتی مورد
نامزای وبی احترامی سایر اعضای حزب نو بنیاد قرار می گیرند. این
نامه ها در سال ۱۸۹۱، هنگامیکه خسان آزات وارد سر رشته داری
هونچاك در ژنو شد، بوی تسلیم گشتند. همکاران او در ژنو نیز از
قرارداد با داشناكها ناراضی بودند. آنها عقیده داشتند که اتحاد
دو گروه بسا حسن نیت نمایندگان غیر هونچاك در تفلیس صورت
نگرفته. علاوه بر این پرواضح بود که سازمان جدید بوسیله میکائیلیان
وزاواریان سوسیالیست اداره نمیشود بلکه عده ای ضد سوسیالیست
و ضد نظربکیان در شعبه مرکزی تفلیس آنرا هدایت مینمایند.^۲

آویتس نظربکیان داشناكها را متهم کرد که در اجرای طرح-
های خود سستی بخرج میدهند. به وی گفته شده بود که انتشار هونچاك
را بمناسبت چاپ ارگان جدید داشناك بنام دروشاك متوقف سازد.
اما شش ماه سپری شده و هنوز اولین شماره داشناك منشر نگشته
بود. ناشر هونچاك بعلت بخش نامه جدید داشناك بنام (دروشاکی
ترووتسك توت) (بخش نامه دروشاك) متزلزل گشته بود.

سر رشته داری ژنو سرانجام به اعتراضات بیشمار رسیدگی کرده

و تصمیم گرفت که پیمان خود را با داشناک‌ها فسخ نموده و حزب انقلابی هونچاکیان را بعنوان يك سازمان مجزا اداره نماید .

کمیته مرکزی حزب انقلابی هونچاکیان اختطاریه‌هایی رسمی که در ۱۸ ماه مه ۱۸۹۱ و ۵ ژوئن ۱۸۹۱ منتشر شده بودند صادر کرده و اعلام داشت که حزب انقلابی هونچاکیان هیچگونه بستگی با داشناک‌سوتیون ندارد^{۳۲} . کمیته مرکزی در ژنو اختطاریه‌ها و نامه‌هایی نیز در مورد تصمیمات هونچاک ارسال داشت^{۳۳} . کمیته مرکزی به بخش مرکزی داشناک‌سوتیون نیز که در تفلیس قرار داشت اطلاع داد اما اینان هیچگونه پاسخی مبنی بر دریافت اطلاعیه آنها ادا نکردند^{۳۴} .

قطع رابطه هونچاک‌ها با داشناک‌سوتیون موجب تضعیف امور سازمان موخرگشت و مبارزات مطولی که بین دو حزب صورت گرفت خسارت فراوانی بر موفقیت نهضت انقلابی ارمنیان وارد آورد.

در عین حال که هونچاک‌ها قطع رابطه خود را با حزب اعلام میداشتند، داشناک‌های ماوراء قفقاز گرم جنبش جدیدی بودند . عده‌ای از اعضاء عقیده داشتند که بخش مرکزی برای موفقیت حزب بقدر کفایت فعالیت ندارد . عده‌ای از اعضای ناراضی در اکتبر ۱۸۹۰^{۳۵} رابطه خود را با حزب قطع کرده و سازمان جدیدی را بنام (فراکتسیا) Fraktsia^{۳۶} تحت رهبری کستانین خانی سیان غیر سوسیالیست تشکیل دادند^{۳۷} . خانی سیان عازم بسالکانز شده و در

آنجا به ساختن بمب برای مقاصد انقلابی در ارمنستان ترکیه پرداخت. نقشه او صرفاً بدین مناسبت با عدم موفقیت مواجه شد چون محدودیت های دولتی بلغار اجازه پیشرفت نمیداد.^{۳۸} وی در اواخر سال ۱۸۹۱ به^{۳۹} ماوراء قفقاز برگشت و اندکی بعد فراکتسیا در هم پاشیده شد.^{۴۰}

فراکتسیا تنها گروه ماوراء قفقاز بود که به نهضت انقلابی علاقه داشت. سازمان دیگری بنام کمیته آزادی بخش ارمنیان ترکیه (تاجکهای یوتس آزاتوتیان و ارشوتیون) در اواخر سنه ۱۸۹۰ در قلیس تأسیس گشت. کمیته سازمان که از عناصر محافظ کار تشکیل شده بود، تحت رهبری هاروتیون چاگریان، که خود را یکی از اشراف زیتون معرفی میکرد، به کار خود پرداخت.^{۴۱} هدف سازمان کمک به نهضت انقلابی ارمنیان ترکیه از طریق رسانیدن اسلحه و آذوقه به آنها بود. این کمیته اعلامیه ای رسمی در مورد آزادی ارمنستان ترکیه منتشر ساخت و برای آرمان خود درخواست بودجه کردند و در ۱۵ نوامبر ۱۸۹۰، چاگریان اعلامیه مشابهی به بلغارستان و رومانی فرستاد.^{۴۲} در اوائل سال ۱۸۹۶ دانشناکسوتیون تقریباً در زیر فشار های داخلی و خارجی در شرف زوال قرار گرفت. بخش مرکزی مورد انتقادات شدید اعضاء و جامعه قرار گرفت زیرا آنان در این هنگام خواستار گامهای بلندی در راه رستگاری ارمنستان ترکیه بودند. ارمنیان روسیه ایمن خود را به نهضت انقلابی از دست داده بودند و

عکس‌العملی همگانی بر علیه آن بوجود آمد^{۴۳}.

فقدان يك برنامه صحيح در مورد سرپرستی سازمان بطرز آشکاری هویدا بود.

بیانیه سال ۱۸۹۰ تنها حساوی مطالب کلی بود و هیچگونه برنامه ثابت یا اساس نامه‌ای در مورد اجرای هدفهای دانشناکسوتیون در آن وجود نداشت. دانشناکها در اوائل سال ۱۸۹۱ به انتشار شماره يك و شماره دو (دروشاکی-تروئسیک‌توت) پرداختند^{۴۴}. و در ماه مه سرانجام اولین شماره ارگان خود یعنی دروشاك را چاپ کردند^{۴۵}. لیکن این نشریات حزبی پاسخگوی ضرورت يك برنامه اساسی نبودند.

نخستین کنگره عمومی

در آوریل ۱۸۹۲، عده‌ای از دانشناکها در شهر تبریز لزوم تغییرات اساسی را حس کرده و خبر تشکیل جلسه همگانی دیگری را در بخش نامه‌ای بنام (دعوت به اولین کنگره همگانی انقلابیون ارمنی)^{۴۶} منتشر ساختند.

در این بخشنامه علل تصمیم خود را بیان کرده و لزوم رسیدگی به نکات ذیل را یادآور شدند:

- ۱- هدف انقلابی دانشناکها ۲- چگونگی سازمانی که باید بوجود بیاید ۳- طرق و تاکتیک‌هایی که باید از طرف حزب بکار

برده میشدند.^{۴۷}

این بخشنامه مورد تصویب اعضای حزب قرار گرفت. نتیجه امر تشکیل اولین کنگره همگانی فدراسیون انقلابیون ارمنی بود. این جلسه در تابستان ۱۸۹۶، یعنی دو سال پس از تأسیس حزب، در تفلیس صورت گرفت. از این جلسه نیز چون کنگره ۱۸۹۰ سندی دال بر گزارش نمایندگان با اسامی حضار در دست نیست. تنها سند با ارزشی که از این جلسه باقی مانده است (برنامه فدراسیون انقلابی ارمنیان) می باشد. این سند حکم اساس نامه حزب را داشت که اینک با انفصال هونچاکها، نام (فدراسیون انقلابی ارمنیان)، (های هقاو-خاکان داشناکوتیون) را جای (فدراسیون انقلابیون ارمنی)، (های هقاو خاکاتاری داشناکوتیون) بخودگرفته بود.

این سند با ارزش هم در جریده دروشاک و هم بصورت یک جزوه مجزا به چاپ رسیده است.^{۴۸}

برنامه فدراسیون انقلابی ارمنیان

«برنامه» حاوی مقدمه ای طولانی در مورد اصول سوسیالیستی بود و پیروزی طبقه کارگر را بر طبقه حاکمه که از نظر مادی و معنوی فاسد قلمداد شده بودند بشارت میداد. طبقه موخر را (بورژوازی) یا (رباخواران کاپیتالیست) می نامیدند که با همکاری مقامات دولتی، روحانیون و اشراف (.... با پنجه های آهنین، خون دیگران را

می‌مکیند)، اوضاع مردم ارمنی ترکیه به‌مردی که در زیر سلطه اسپارته‌ها بودند تشبیه شده. به‌موقعیت سایر ملل نیز چون اعراب، اکراد و ترک‌ها و یزیدیهائی که مایل بودند چون ارمنیان صاحب حکومتی باشند تا در راه بهبود زندگی اکثریت ملت آنها کوشش کند، بذل توجه شده بود. بدنبال این مقدمه، هدف حزب چنین توجیه گردید بود :

کسب آزادی سیاسی و اقتصادی ارمنستان داخل در امپراطوری عثمانی از طریق انقلاب و انجام درخواستهای ذیل^{۵۰} :

۱- حکومت آتی - دموکراتیک ارمنستان آزاد در راه خدمت به‌علاق و منافع اکثریت، باید به رأی تمامی جوانان و بر اصول انتخابات آزاد و غیر تحمیلی انتخاب و ایجاد شود. برای آنکه از این حقوق حمایت کافی صورت گیرد، اصل انتخاب آزاد باید بیش از پیش از حکومت مرکزی و مرکز تاروستاها و دور افتاده‌ترین ولایت گسترش پیدا کند.

۲- تدارکات اساسی برای امنیت و کار.

۳- اعلام تساوی حقوق همه ملت‌ها در پیشگاه قانون و آزادی مذهب.

۴- آزادی کلام، مطبوعات و اجتماعات.

۵ - تقسیم اراضی زراعتی بین دهقانان و تضمین بهره‌برداری زمینهای کشاورزی بوسیله کشاورزان.

۶- دریافت مالیات با توجه به‌بنیه مالی و اقتصادی سودی،

و توجه به اصول مرسوم بین ملت که چندین قرن سابقه دارد انجام گیرد .

۷- لغو قانون کار اجباری و بیگاری .

۸- لغو عوارض و وجوهی که بابت معافیت نظامی و اعزام به خدمت دریافت میدارند .

۹- کمک به پیشرفت روشنفکرانه مردم به هر طریق ممکنه ، آموزش اجباری .

مبارزه با بیسوادی و بسط و گسترش تعلیمات بهمه نقاط و برقراری آموزش مجانی دوره ابتدایی .

۱۰- کمک به پیشرفت صنایع با در اختیار گذاشتن ابزار و آلات نوین بهره برداری بر اساس مقتضیات محلی و کمک به طرق تکثیر صادرات .

۱۱- کمک به بهبود زندگی روستائیان ، تقویت صنعتگران و کارگاههای کوچک و محلی با توجه به شرائط اقلیمی و مقتضیات محلی و تشویق آنها به تمرکز فعالیتهای خود در واحدهای بزرگتر و ایجاد تعاونیهای کوچک و بهم پیوستگی آنها برای بهره برداری موثر و وسیع تر . کمک به بالا بردن سطح زندگی روستائیان و صاحبان کارگاههای صنعتی و حمایت آنها در قبال بلیات طبیعی و سوانح اجتماعی .

طرقی که باید از طرف دستهجات انقلابی متشکله حزب بکار برده میشدند عبارت بود از :

- ۱- تبلیغ اصول و هدفهای دانشناکسوتیون و تفهیم آنها و جلب همدردی مردم (ارمنی‌ها) با امر انقلاب .
- ۲- تشکیل دسته‌جات رزمی (پارتیزانی) و تبلیغ و تفهیم مرام و هدفهای حزب به آنها بطوریکه آنها را به عملیاتشان مؤمن سازد.
- ۳- استفاده از همه وسایل و اقدامات و امکانات ، بمنظور تشدید عملیات انقلابی و بیداری روح مردم.
- ۴- استفاده از هروسیله‌ای برای مسلح ساختن مردم
- ۵- تشکیل جوامع انقلابی و ایجاد یگانگی در بین آنها.
- ۶- تحقیق در کشور و زندگی مردم و کسب اطلاعات دائم برای ارگان مرکزی دانشناکسوتیون.
- ۷- تشکیل واحدهای مالی.
- ۸- خرابکاری و متزلزل ساختن روحیه مقامات دولتی، خبر-چینان، خائنین، رباخواران و تمامی کسانی که اجحاف می‌کنند.
- ۹- حمایت مردم صلح‌جو و ساکنین ولایات در قبال حملات راهزنان.
- ۱۰- ایجاد وسائل ارتباطی بمنظور حمل و نقل افراد و مهمات.
- ۱۱- غارت و خرابکاری در دستگا‌ه‌های دولتی. آخرین قسمت اصلی برنامه وقف سازمان حزب شده و در آن آمده بود که اساس تمرکز بخشیدن حزب لازمه فعالیت رضایتبخش شعبات مختلفه حزب می‌باشد. بعضی از شعبات که بصورت واحدهائی مستقل کار می‌کردند،

در اتخاذ تصمیم مختار بودند. ولی این استقلال شامل حال اعضای حزب نمیشد زیرا اینان باید بانزدیکترین کمیته مرکزی منطقه همکاری میکردند. دو کمیته اجرایی مرکزی وجود داشت که بموازات یکدیگر فعالیت مینمودند و رسیدگی به درخواستها، گزارشات مهم، عملیات، و پول گردآوری شده از شعبات مختلفه برعهده آنها بود. (برنامه) ایجاد يك خزانه مرکزی و يك ارگان رسمی را نیز تأکید نموده و خواسته شده بود که دروشاك به نشر اطلاعات حاصله از کمیته‌های اجرایی بپردازد و علاوه بر آن به شعبات اجازه داده شده بود که تحت شرایط خاص جزوانی را طبع کنند.^{۵۱}

اساس سیاسی برنامه فدراسیون انقلابی ارمنیان یاداشناکسوتیون با حزب انقلابی هونچاکیان تفاوت فاحشی داشت. هونچاکیها علناً اظهار می کردند که خواستار يك کشور مستقل از حیث سیاسی هستند که باید شامل ارمنستان روسیه، و ارمنستان عثمانی باشد. در برنامه ۱۸۹۲ داشناک حتی کلمه‌ای نیز در مورد استقلال یا انفصال کامل از امپراتوری عثمانی نیامده بود و فقط به لزوم اصلاحاتی در ارمنستان اشاره کرده بودند.

در برنامه آرمناکان نیز مانند برنامه داشناکها بطور اخص درباره يك سرزمین مستقل سخنی بمیان نیآورده بودند ولی این نکته را متذکر گردیده بودند که آن حزب خواستار آنست که مردم امین (برخود فرمانروائی) کنند. آرمناکان هم در مورد حوزه فعالیت خود

بطور صریح مطلبی ابراز نکرده بودند اما میتوان چنین استنباط کرد که توجه آنها بدو ابرار منستان داخل در قلمرو عثمانی بوده است. امادر بر نامه هر سه حزب این مطلب تأکید گشته بود که لازمه استخلاص مردم ارمنی از یوغ اسارت دولت عثمانی روشهای انقلابی است. هدفهای سیاسی دانشا کها در اولین شماره دروشاك توصیه شده وقید گشته بود که خواسته های حزب، دقیقاً با (برنامه) پاتریارک نرسیس وازرابدیان که بسال ۱۸۷۸ توسط هیئت نمایندگی ارمنیان در کنگره برلین ارائه شده بود وفق میدهد.

این (برنامه) خواستار اصلاحات و انتصاب يك حاکم ارمنی بر ولایات ارمنی نشین بود.^{۳۵}

در خواسته های دانشا کسیون بعدها بوسیله سه تن از موسسین -- یعنی کریستوفر میکائیلیان، ستپان زوریان و سیمون زاواریان بصورت سلسله مقاله هایی که تحت عنوان (الف - ب) (آیب اوین^{۵۴}) در دروشاك درج و نشر گردیده بود حلاجی شد. آنان بر این حقیقت متکی شد که استقلال سیاسی مترادف با آزادی نیست. بعقیده آنان آزادی مورد نظر مردم ارمنی نه آزادی سیاسی است، نه استقلال ملی و نه يك حکومت ارمنی که جایگزین حکومت عثمانی گردد. آنچه که مطالبه میشد آزادی نوعی، یعنی آزادی در حد اصلاحات سیاسی و اقتصادی و شرایط متعده برای استقرار آرامش و پیشرفت بود.

هدف داشناك برای کسب اصلاحاتی در ولایات ارمنی نشین در چهار
چوب سیاسی دولت عثمانی تقریباً بمدت سه دهه بلاتبیجه ماند.^{۵۵}
برنامه داشناك مبشر اصول سوسیالیستی بود. داشناکها نیز چون
هونچاکها در باره طبقات بهره‌بردار و بهره‌رسان جامعه و لزوم
براندازی رباخواران کاپیتالیست بر زوازی داد سخن میدادند. داشناکها
تمام تلاشهای خود را بر اجتماعی کردن ارمنستان عثمانی معطوف
میداشتند حال آنکه هونچاکها سوسیالیسم رانه‌تنها برای مردم ارمنستان
غرب میخواستند بلکه خواهان آن برای ارمنیان روسیه و ایران نیز بودند.
هونچاکها لزوم آماده ساختن ذهنی مردم را در قبال نظم سوسیالیستی
آینده قید نموده و خواستار انقلابی جهانی در استقرار نظم سوسیالیستی
برای تمام بشریت بودند. حزب آرمناکان برخلاف داشناکسوتیون و
هونچاکیان، ایده‌های سوسیالیستی نداشت و از ایراد هر گونه بحث
سوسیالیستی خودداری ورزیده بود. داشناکسوتیون در سال ۱۹۰۷ در
چهارمین کنگره عمومی بر ایده سوسیالیستی خود تکیه زد^{۵۶} و از آن
بعد مهمترین سازمان سوسیالیستی عثمانی وابسته به بین‌الملل دوم
گشت.^{۵۷}

برنامه ۱۸۹۲ داشناکسوتیون تروریسم را رسماً روش عملیات
توجیه کرده و در اینمورد بابرنامه هونچاکها وفق میداد. اما برنامه
آرمناکانها مخالف طریق تروریستی بود (هرچند که این سیاست
مورد بی‌توجهی عده‌ای از اعضای آن حزب قرار گرفت) داشناکسوتیون

حتی پیش از ۱۸۹۲ از روشهای تروریستی استفاده کرده بود که بارزترین نمونه آن کشتار **خاچاطور کرکسیان**، یکی از رهبران سابق حامیان سرزمین اجدادی در ۸۲-۱۸۸۱ در ارمنی بود. مدتی بعد کمیته مرکزی یابخش^{۸۸}، این قتل نفس را عمل اسف انگیزی تلقی کرد اما در هر حال تروریسم جزو برنامه حزب بود.

سازمان داشناکها بطور بارزی با حزب انقلابی هونچاکیان تفاوت داشت. داشناکها سیاست اداری مرکزی را طی دو سال اولیه تاسیس خود رعایت کردند. این همان اصلی بود که بوسیله (نارود-نایابولیا)ی روسیه و غالب انجمن های انقلابی اروپا و همچنین هونچاک ها اجرا میشد. در اجلاس ۱۸۹۰ موسسین، راجع به سازمان اداری مناظره هایی صورت گرفت و همین امر در اولین کنگره عمومی نیز تکرار شد.

نمایندگان داشناک سال ۱۸۹۲ در تفلیس، پس از تعمق و تبادل نظر بسیار باتوجه به تقسیمات اقلیمی مردم ارمنی، مصمم شدند که سازمان خود را تمرکز دهند. هرچند که (برنامه) مستلزم يك چنان سازمانی بود، لیکن دو کمیته یابخش مرکزی داشناک دارای قوه مرکزی خاصی شدند و این قوه دودهم بعد و بیه افزایش نهاد.^{۸۹}

حزب داشناک بین (عثمانیهای صلحجوی مسلمان) و (دولت مفسد عثمانی) که حملات داشناک متوجه آن بود تفاوت خاصی قائل می شد.

هونچاكاها نیز از همان رویه تبعیت می کردند . هردو حزب از بعضی سازمان ها و گروه که ظاهرا مایل به اصلاحات در کشور بودند پشتیبانی می کردند . این همکاری با گروه های مترقی در امپراتوری عثمانی بسال ۱۹۰۷ بصورت موافقت نامه ای بین داشناكاها و حزب (اتحاد و ترقی) و همچنین به توافق محرمانه ای بین هونچاكاها و گروه (آزادی و ائتلاف) در ۱۹۱۲^{۶۰} منجر گردید . برنامه آرمناكان از لحاظ همکاری ارمنیان با عناصر خارجی با داشناكاها و هونچاكاها تفاوت داشت . آرمناكان بطور اکید اعلام می کردند که مایل نیستند با هیچیک از گروه های غیر ارمنی در حصول آرمانهای خود همکاری داشته باشند . بدین ترتیب ، آرمناكان ها بطور کامل امکان یاری عناصر لیبرال عثمانی را در مرانامه خود حذف نمودند .

الغرض ، باید توجه داشت که هرچند در نشریات رسمی هونچاك و داشناك صحبت از نوعی رفتار دموکراتيك مسلمانان و کردهای امپراتوری عثمانی میشد ، لیکن عده ای از اعضای هردو حزب (و همچنین اعضای حزب آرمناكان) غالبا از اجرای عملی چنین اصولی طفره می رفتند .

بطور کلی بین برنامه ۱۸۹۲ داشناك و هدف ها و عملیات هونچاكاها تفاوت چندانی وجود نداشت . عامل پنهانی عدم توافق بین آنان را میتوان مربوط به حسادتهای جزئی و تعصبات شخصی دانست نه به

اختلاف ایدئولوژی سوسیالیستی با سازمان اداری و یا تعیین حدود جغرافیائی جهت عملیات انقلابی ، باری وطن پرستان ارمنی خیلی متاثر و متاسف بودند که دو حزب بزرگ توان توافق دائمی نداشتند و روابط آنها با هم غالباً منجر به مبارزات و رقابت هائی می شد که در نهایت اثر بسیار نامطلوبی بر هدفهای خود ایشان به جای می گذاشت ، و کاملاً آشکار بود که اتحاد و اتفاق بین آنها نیروی موثر و قابل اعشائی بوجود می آورد . لیکن علیرغم انفصال هونچاک از فدراسیون انقلابی ارمنیان در ۱۸۹۱ ، دانشا کها همچنان به حیات خود ادامه دادند . بحران داخلی و خارجی با کمک های اولیه کنگره عمومی و توافق های منعقد شده در برنامه ۱۸۹۲ تا حدودی از میان برداشته شده بود . دانشا کسوتیون اینک آماده بودند تا بر نامه عملیات مثبت تری را دنبال کنند .

اقدامات دانشا

در سال ۱۸۹۲ حزب شعباتی در ارمنستان عثمانی ، روسیه ، ایران ، ماوراء قفقاز و بنسادر دریای سیاه ، طرابوزان و ادسا و اسلامبول دایر کرد .

کشور ایران کعبه آمال انقلابیونی شد که برخلاف یک قرن پیش ، اینک از آزادی تقریباً نامحدودی در آن سرزمین برخوردار بودند و حال آنکه در روسیه مسیحی مورد انواع ظلم و تعدی ها قرار میگرفتند .

بدین ترتیب ایران مرکز عملیات حزبی در امور ارمنستان عثمانی

شد .

مراکز داشناك ایران در قسمت شمالغربی کشور ، بالاخص تبریز ، سلماس و خوی^{۶۱} استقرار یافتند . اشخاص فعال و حزبی های کار کشته ماوراء قفقاز از مرز روس و ایران عبور و با عناوین و لباس مبدل بصورت معلمین ، روحانیون ، زوار و تجار وارد ایران می شدند و به تشکیل شعبات و اشاعه انقلاب می پرداختند و تدارك دخول به مرز و خناك عثمانی را می دیدند . از جمله نخستین سازمان دهندگان داشناك در ایران میتوان تیگران ستهانیان Tigran Stepanian را نام برد که از اعضای سابق گروه دروشاك بود . وی وارد تبریز شد و بسال ۱۸۹۱ کارخانه اسلحه سازی کوچکی بنام (کارخانه مرکزی مهمات) تاسیس کرد .

این کارخانه اسلحه سازی شعباتی در غالب بخش های ارمنی نشین شهر تبریز دایر کرد و صرفاً به کار مونتاز اسلحه پرداخت . افراد خبره ای که قبلاً در کارخانجات اسلحه سازی (تولا) در روسیه کار کرده و تجربه اندوخته بودند در این کارخانه فعالیت می کردند . نمایندگان حزب در تولا به خرید و تهیه ابزار نظامی از طریق کارگران روسی که در تسلیحات دولتی تفلیس کار میکردند پرداختند . تفنگها و مهمات در قورخانه های شهر های مختلف ماوراء قفقاز ، انبار و بسته بندی شده و بعداً به تدریج به کارخانه تبریز حمل می گردید و آنگاه در آتجابه سوار کردن قطعات پرداخته و به قوای چریکی میرسانیدند^{۶۲} و یاپس از آنکه بقدر کافی تداركات و مهمات و اسلحه فراهم می نمودند

آنها را از تبریز به نقاط مختلف و مورد نظر در مرز ترك و ايران حمل می کردند .

یکی از مواضع مهم انقلابيون در بدو ورود به خاك عثمانی صومعه دريك واقع در سمت مرزی ايران بود. این صومعه که سالیان متمادی از حیض انتفاع افتاده بود در اوائل دهه نود بعلمت موقعیت سوق الجیشی نظامی خود، جلب توجه کرد . با گرات وارد اُست تاواکلیان که انقلابيون او را بنام زکی می شناختند ، شبان آن دیر شد و عملیات نظامی را با امور دینی در آمیخت . در زمان شبانسی وی ، صومعه (دريك) به کمک آرمناکان و داشناکها مرمت و بعنوان يك موضع و قورخانه مورد استفاده قرار گرفت .

اهمیت سوق الجیشی صومعه از نظر کردها و ژاندارم های عثمانی نیز پوشیده نبود. وطن پرستان ارمنی سالیان متمادی با قبائل محلی که توان تحمل وجود یکدیگر را در نواحی کرد نشین نداشتند در گیریهائی پیدا کرده بودند . مقامات عثمانی از زمانی که صومعه منبع ذخائر چریکهای شد که به وان می آمدند ، بیش از پیش به آن توجه کردند. و همین امر موجب درگیری و برخورد شدیدی در ۲۱ (ژوئیه ۱۸۹۴) گردید و دسته ای از سربازان عثمانی به کمک کردهای محلی ، از مرز ايران عبور کرده و صومعه را مورد حمله قرار دادند ولی ارمنیان سرسختانه به مقاومت پرداختند و قوای مهاجم بناچار بدون انجام موفقیتی در ماموریت خویش عقب نشینی کرد .

انقلابیون سالیان متمادی از طریق مناطق مجاور ایران به ایالات
وارد و در ارمنستان امپراتوری عثمانی به تشکیل قوای چریکی، دایر کردن
شعبات حزب و اختلال اوضاع می پرداختند.^{۶۶}

داشناکها تنها به نام نویسی ارمنیان اکتفا نمی ورزیدند بلکه آنها
نیز چون هونچاکها سعی می کردند حمایت سایر ملیت‌ها را نیز بر آرمان-
های خویش جلب نمایند.

کردها يك عنصر با ارزش تشخیص داده شدند و تلاش بخصوصی
برای جلب دوستی و همکاری آنان صورت گرفت و بدین منظور
عده‌ای از روسا و فعالین ارمنی به نواحی کردنشین وان و موش اعزام
شدند که از معروف‌ترین آنها، یوزن کاستی کوری Yerzenkatsi
Keri (روبن شیشمانیان) بود که بین قبائل درسیم Dersim به
فعالیت پرداخت. داشناکها در جلب حمایت یکی از کردهای مقیم
ژنو بنام عبدالرحمن نیز توفیق حاصل کردند و آن شخص مقالاتی
بزبان کردی برشته تحریر در آورد و هم کیشان خود را در نبرد بر علیه
دولت عثمانی دعوت به همکاری، تشریک مساعی با انقلابیون ارمنی و
احتراز از شرکت در اعمال مضره و خشن بر علیه آنها نمود. این-
مقاله‌ها که با خط عربی نوشته میشدند، بین کردها توزیع می گشتند.^{۶۷}
امانوشته‌های عبدالرحمن و عملیات سران حزبی به تنهایی در ایجاد
روابط حسنه بین این دولت کافی نبود.

داشناک‌سوتیون در جلب همکاری (ترک‌های جوان) و عناصر

آزار دیده مسیحی در امپراتوری عثمانی ثوفیق بیشتری حاصل کردند روابط صمیمانه داشناکها و مسیحیان بالکان حائز اهمیت است . در سنه ۱۸۹۵ بین حزب انقلابی داخلی مقدونی که تحت کنترل بلغاریها بود و ریاست آنرا **بوریس سارافوف**^{۶۸} بر عهده داشت و داشناکسوتیون قرار دادی منعقد و پیوند بین این دو حزب چنان استوار گردید که داشناکهای ژنو و بلغارهای تحت فرمان **سیمون راتف** گه گاه جلسات مشترکی نیز تشکیل میدادند .^{۶۹}

حزب ناسال ۱۸۹۶ در ایجاد شعبات جدید و تشکیل دسته جات چریکی و تبلیغات ضد دولتی و تدارك ابزار رزمی و همچنین عقد پیمان با سایر گروههای انقلابی ساعی و کوشا بود . داشناکسوتیون در سالیان اولیه تاسیس خود ، دموستراسیونهای عمده ای نظیر حزب انقلابی هونچاکیان برپا نکرد . آنها از هر لحاظ مخالف دموستراسیون باب - عالی (۱۸ سپتامبر ۱۸۹۵) هونچاکها بودند و آنرا عملی کودکانه بدون توجه به موقعیت مقتضی و عامل کشتارهای متعاقب آن قلمداد کردند .^{۷۰}

اما چندی بعد آنها مجبور به تغییر سیاست خود در این باره شدند و برپا کردن دموستراسیونهای بزرگ را وسیله ای برای جلب مداخله دول اروپائی تشخیص دادند و يك سال پس از دموستراسیون باب عالی ، آنان نیز دست به اقدام مشابهی در قسطنطنیه زدند .

تصرف بانك عثمانی

تصرف بانك سلطنتی عثمانی در ۲۴ اوت ۱۸۹۶ بدست عده‌ای از انقلابیون و ایجاد اختلال در نقاط مختلفه پایتخت ، جنبش سیاسی مهمی محسوب میشد که قبلا از طرف داشناکسوتیون طرح ریزی شده بود . حمله به بانك به منظور جلب توجه دول اروپائی که به دستگاههای دولتی عثمانی توجه خاصی داشتند صورت گرفت ، داشناکها امیدوار بودند که اروپائیان و ادار به مداخله در اوضاع نابسامان و مختل عثمانی شده و به درخواست اصلاحات ارمنیان رسیدگی و توجه کنند .

بیست و شش تن از انقلابیون داشناک به سرپرستی جوان هفده ساله‌ای موسوم به بابکن سونی Babken Suni طی حمله‌ای ناگهانی درهای بانك عثمانی را از داخل بسته و ساختمان و کارکنان آنرا تحت نظر گرفتند . آنگاه تقاضای خود را به جهان بیرون اطلاع دادند . درخواست آنان چنین بود :

۱ - انتصاب يك کمیسیونر ارشد اروپائی الاصل برای ارمنستان از طریق شش دولت بزرگ .

۲ - والی‌ها ، متصرفین و قائم مقام‌هایی از طرف کمیسیونر برای ارمنستان انتخاب و پس از تصویب سلطان بکارگمارده شوند .

۳ - آرتش ، ژاندارمری و قوای پلیس از ولایات بومی (ارمنی نشین - ارمنستان عثمانی) خارج شده و امور امنیت بدست صاحب

مئصبان اروپائی اداره شود .

۴ - اصلاحات قاطع براساس سیستم اروپائی .

۵ - آزادی مطلق مذهب ، تحصیلات و مطبوعات .

۶ - تخصیص سه چهارم در آمد منطقه به احتیاجات محلی .

۷ - لغو عوارض جبری .

۸ - معافیت از پرداخت مالیات بمدت پنج سال و صرف مالیات

قابل پرداخت پنج سال بعدی برای جبران خسارات ناشی از هرج و مرج های اخیر .

۹ - استرداد هر چه سریع املاك مطبوطه .

۱۰ - اجازه مراجعت مهاجرین ارمنی .

۱۱ - بخشش عمومی ارمنیانی که به جرائم سیاسی محکوم شده

بودند .

۱۲ - تشکیل يك کمیسیون موقت از طرف نمایندگان دول

معظمه دریکی از شهرهای ارمنستان بمنظور نظارت بر اجرای مواد

ذکر شده .^{۷۱}

انقلابیون داشناک که بانك را تصرف کرده بودند تهدید نمودند

که ساختمان بسانك را منهدم و تمامی کارکنان آنرا به قتل خواهند

رسانید و جان خود را هم در سر این کار خواهند گذاشت و اخطاریه ای

در همین زمینه برای نمایندگان خارجی مقیم در بابعالی فرستادند. به سبب اهمیت امر سفارتخانه های دول اروپائی در تماس و انجام مذاکرات با انقلابیون عکس العمل سریعی از خود نشان دادند. ماکسیموف Maximov کنسول روسیه به نمایندگی از طرف سفرای دول معظمه موفق شد که انقلابیون را با قبل بانجام نظریات آنها تا حد ممکن آرام سازد. در این اثناء چهارتن انقلابیون از داشناکهای مهاجم منجمله رئیس جوان آنها یعنی بسابکن سونی طی برخورد مسلحانه با مقامات امنیتی بقتل رسیدند ولی پنج نفر دیگر بطرف کسانی که قصد دخول به بانك را داشتند بمب هائی پرتاب کردند که در اثر انفجار بمب ها خود نیز مجروح شدند. اما بالاخره انقلابیون پس از متجاوز از دوازده ساعت که بانك را در تصرف خود داشتند دچار گرسنگی شدند، لذا بدون دفع الوقت، پیشنهاد ماکسیموف را پذیرفتند. در نتیجه آنان را تحت الحفظ از بین جمعیت خشمگین که مقابل بانك سلطنتی عثمانی گرد آمده بود بسوی کشتی تفریحی **سرادگارونسنت** رئیس کل بانك هدایت نمودند. هفده تن از داشناکها نیز بوسیله کشتی **لاژ پروند**^{۷۲} از قسطنطنیه به ماریسی برده شدند. بدنبال واقعه بانك، دموستراسیونی نیز در پایتخت برپا شد اما موفقیت و موافقتی حاصل نشد و هیچگونه اصلاحاتی نیز صورت نگرفت. دولت که قبلا از پروژه داشناکها اطلاع حاصل کرده بود بجای آنکه مانع عمل انقلابیون گردد، در خفا نقشه مقابله به مثل

بیرحمانه‌ای را کشید، بدین معنی که در روز دموستراسیون، گروهی از اشرار به کشتار ارمنیان پرداختند، سربازان دولتی و طلاب و همچنین افسران ژاندارم، اراذل عثمانی را در کشتار ارمنیان سرپرستی کردند. مسیحیان بدون توجه به گناه یابی گناهی، به قتل میرسیدند، زنان و کودکان عیسوی را بیرحمانه در خیابانها سر می بریدند و این دوره وحشت و هراس بمدت چند روز متوالی در پایتخت حکمفرما بود که منجر به انهدام و نابودی مهول مردم گشت و متجاوزان شش هزار نفر نیز در این کشتار خیابانی بدست اشرار بقتل رسیدند.^{۷۲}

این طغیان هول انگیز در قسطنطنیه را مقیمان و دیپلماتهای خارجی ناظر و شاهد بودند و بناچار زبان به اعتراض گشودند و با آنکه در ۲۷ اوت ۱۸۹۶^{۷۴} يك یادداشت رسمی و يك تذکار غیر رسمی (۲ سپتامبر ۱۸۹۶)^{۷۵} از طرف سفرای دول معظمه در قسطنطنیه به حکومت آل عثمان فرستاده شد اما دول خارجی عکس العمل موثری در قبال اینگونه اعمال شیطانی حکومت انجام ندادند. دموستراسیون دانشناكها دستاویزی برای تعدی های وحشیانه بود. وعده های دول معظمه که از طریق نماینده آنها یعنی ماسکیوف داده شده بودند، همگی پوچ از آب در آمد. تصرف بانك عثمانی از طرف دانشناكها مشابه دموستراسیون بساب عالی هونچاكاها شد. اما دانشناكها از شکست خود در قسطنطنیه مایوس نگشتند و با اینکه تضمین اجرای معاهدات برلین (۱۸۷۵) در مورد اصلاحات ارمنستان عثمانی تما

سال ۱۸۹۶ کماکان بی نتیجه ماند و هیچگونه بهبودی در امور اداری ولایت مشاهده نشد و حتی انقلابیون تمامی احزاب سیاسی متعاقب این امر دچار انواع فشارها و تحمل ناملایمات جانکاه از طرف حکومت گشتند اما در اواخر سال ۱۸۹۶، دانشناکسوتیون باز با همان حدت اولیه و با آمادگی بیشتر و بلندتر و رساتر فریاد بر میآوردند که :

« اسلحه ! جنگ ! پیروزی از آن ماست ! »

فصل هشتم

میراث

نهضت انقلابی ارمنیان قرن نوزدهم مرحله دیگری بود از تلاش این مردم و این ملت در راه استقلالی که در طول متجاوز از بیست و پنج قرن تاریخ ارمنیان، تنها در فواصل کوتاهی آنان را از آزادی بهره‌مند ساخته بود.

پس از سقوط آخرین سلطنت ارمنی در قرن چهارده میلادی، میسیونهای متعددی با پشتیبانی کاتولیکوس، نزد ملل اروپائی و پاپ فرستاده شدند تا در راه کسب آزادی ارمنیان از سلطه بیگانگان کسب حمایت کنند. از قرن پانزده تا قرن نوزده، وطن پرستانی چون **سازیمیرات**، **ایزرائیل اوری**، **دیوید بگ** و **جوزف امین** بها خاستند و بسا فدا کردن جان خویش مجاهدت نمودند تا ارمنیان را تحت یک لواگرد آورند و چنان وحدتی سیاسی بوجود آورند که به استقلال ارمنیان منجر گردد.

پس از جلوس پتر کبیر بر تخت روسیه، ارمنیان، آن کشور را بیش از پیش کعبه آمال خود تلقی کردند. اما این امید دیری نپایید

زیرا قسمتی از امنستان تحت لوای تزار درآمد بدون آنکه کمترین خود مختاری سیاسی به آن سرزمین داده شود و کوچکترین رفاهی عاید آن ملت گردد.

تلاش آزادیخواهان ارمنیان در قرن نوزده در ولایات ارمنستان عثمانی متمرکز شد و اینجا که بزرگترین منطقه جغرافیائی ارمنستان به حساب می آمد نه تنها ارمنی های پراکنده در امپراتوری عثمانی بلکه ارمنی های روسیه و ایران را نیز بسوی خود جلب کرد. ارمنیان ساکن خاک عثمانی طی قرون متمادی از مشقات بسیار، عوارض جبری، چپاول و حتی تغییر اجباری دین و انواع تعدی ها برخوردار شده و همواره نیز از حقوق سیاسی و امتیازاتی که سایر اقلیتهای عثمانیها از آنها بهره وری داشتند محروم بودند.

ارمنیان اینک چنان به وضع تأسف انگیز ملت خود وقوف حاصل کردند که دیگر حاضر به تحمل این اوضاع نبودند.

جنبش آزادی بخشی، که از قرن چهارده بوسیله وطن پرستان آغاز شده بود، غالب ارمنیان را در اواخر قرن نوزده بسوی خود جلب نمود. تغییر رویه ارمنیان نسبت به اوضاع شاقی که متحمل میشدند، بایبیداری فکری و حماسایت ملی آنان که معلول چند قرن ظلم و ستم بود، هویدا گشت. ایده های انقلاب فرانسه امید تازه ای به جان آن مردم دمید، ارمنیان جوان، با الهام از شعار برابری و برادری و به ترغیب نهضت های انقلابی اروپا در سنوات ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ به

اشاعه فلسفه آزادی در بین ملت خویش پرداختند .

نخستین جنبش ارمنیان بر علیه رژیم عثمانی که از لحاظ ابراز وجود در نوع خود بزرگترین آنها بود، بسال ۱۸۶۲ در زیتون صورت گرفت . این طغیان نشانه‌ای بود بر ترار نارضایتی محلی . محرکین شورش با گروه‌های انقلابیونی که در قسطنطنیه بسر می بردند تماس حاصل کرده و تدارك يك نهضت ملی را برای آزادی خود از قید سلطه عثمانی می دیدند . سران ارمنی بیش از پیش با تئوریهای اجتماعی و اقتصادی عصر خود آشنا شده بودند و مقدر بود که نهضت انقلابی ارمنیان را با سوسیالیسم بین المللی تطبیق دهند . بدین طریق شورشهای ارمنستان عثمانی در مدتی قلیل جزئی از نهضت و جنبش و انقلاب طبقات زیرین اجتماع و رنجبرانی شد که در قاره اروپا و نیز سراسر امپراتوری تزار خواستار تحولات و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جهت بهبود زندگی اکثریت بودند .

ولی حکومت بابعالی از اجرای درخواستهای اصلاحات در همه امپراتوری و بخصوص در ارمنستان عثمانی طفره می رفت ولی ارمنیان که دیگر توان تحمل این همه تعدی‌ها را نداشتند، برای آزادی خود متوسل به طرق (غیرقانونی) شدند . این روش‌ها در بدو امر مسلح شدن به خاطر حفظ امنیت خویشتن بود ولی بعد طرق خشونت آمیز و خرابکارانه ابداع و بکار گرفته شد .

سازمانهای انقلابی متعددی در نهضتی که بمنظور اصلاح و

بهبود وضع ارمنیان عثمانی تشکیل شده بود شرکت جستند بیشتر این گروهها در خاک عثمانی بوجود آمدند و تقریباً گام‌های احتیاط آمیزی بودند در قبال روش‌های جبارانه آن دولت. ولی تئوریهای اجتماعی و اقتصادی خاصی محرك این گروهها نبود. اما سازمانهای مخفی وزیر زمینی ارمنی که در روسیه تشکیل شدند از جمله هدفشان کمک به ارمنیان عثمانی بود و بیشتر بدنبال جنگ روس و ترك (۷۸-۱۸۷۷)، تأسیس گشتند. این سازمانها غالباً تحت تأثیر اصول سیاسی و روشهای انقلابیون روسی بودند و شدت عمل دولت در قبال گروهها خواه ناخواه منجر به ایجاد احزاب سیاسی مخفی وزیر زمینی شد.

اعضای این احزاب مخفی رهایی یونانیها، بلغاریها، سربها و مونته‌گرویی‌ها را از سلطه عثمانی موفقیت درخشانی در نهایت برای خود تلقی میکردند. آنها معتقد بودند که این موفقیت‌ها، ولوبایاری دول معظمه، بدین مناسبت حاصل شده که مردم بالکان بر علیه ترکها شوریده‌اند. انقلابیون ارمنی عقیده داشتند که ملت آنها نیز باید از نمونه بالکان پند بگیرد. احزاب انقلابی به صمیمیت دول اروپائی که اصلاحاتی در ارمنستان عثمانی را در ماده شصت و یک معاهده برلین خواستار شده بودند، اتکاء داشتند.

هرچند که احزاب سیاسی سری مبشر انقلاب بودند، اما با یکدیگر توافق کلی نداشتند. موسسین آرمناکان یعنی حزبی که نخست

بسال ۱۸۹۵ در وان تشکیل شده بود در سرزمین عثمانی و تحت
 سلطه آنها بسر می بردند و از اوضاع محیط خود آگاهی کامل داشتند.
 پس عجیب نیست که برنامه آنها احتیاط آمیز باشد و به آموزش و تدارک
 و تدافع و احترام از طرق تروریستی توجه بیشتری مبذول بدارند. اما
 چون رهبران حزب آرمناکان تماس چندانی باندنای خارجی نداشتند،
 بسان رهبران سایر احزاب پیرو تئوریهای اجتماعی و اقتصادی روز
 نبوده و مبشر اصول سوسیالیستی نیز بشمار نمیرفتند. آنها بصورت
 يك حزب متمرکز باقی ماندند و در نتیجه فاقد نفوذ وسیع و قدرت
 حزب انقلابی هونچاکیان و داشناکسوتیون بودند که پنج سال بعد
 بوجود آمد.

دو حزب هونچاکیان و داشناکسوتیون خارج از ناحیه ارمنستان
 تأسیس گشتند. حزب نخست بسال ۱۸۸۷ در ژنو و حزب دومی در
 نفلیس پا به عرصه گذاشت رهبران این دو حزب از ارمنیان روسیه ۱۸۹۰
 بودند و هیچگاه بمدتی طولانی در ارمنستان قلمرو دولت آل عثمان
 بسر نبرده بودند. هر دو حزب مزبور مبشر نظم سوسیالیستی بودند
 و از روشهای تروریستی سازمانهای انقلابی روسیه پیروی می کردند.
 هونچاکیا و داشناکها لزوم آمیزش ناسیونالیستی و اصول سوسیالیستی
 را درك می کردند و برنامه آنان نمونه بارزی در این مورد بود.
 هونچاکیا عقیده داشتند که آزادی بدون استقلال سیاسی کشوری
 امکان پذیر نخواهد بود و داشناکها اصلاحات ارمنی را در چهارچوب

امپراطوری عثمانی طلب میکردند.

هونچاکها و داشناکها بیکسان معتقد بودند که عملیات آنها توجه دول اروپائی را جلب خواهد کرد و بطور حتم در حصول آرمان ارمنیان تبعه عثمانی کمک موثری خواهد نمود.

جنگ انقلابیون بر علیه رژیم عثمانی جنبه يك جانبه داشت. آنها فاقد نفرات کافی، لوازم یا قدرت اقتصادی در نبرد بانبروهای منظم سلطان بودند لیکن باتوجه به تعدی هائی که نسبت بایشان بعمل می آمد، چاره ای جز شورش ندیدند. بدبختانه احزاب قادر به کسب حمایت کافی اکراد یا ترکها و مسلمانانی که خود نیز از فساد حکومت رنج میبردند نشدند. و این ناتوانی، موجب شد که ارمنیان در منطقه جغرافیائی خود، کماکان تنها و بصورت يك اقلیت باقی بمانند.

علاوه بر این، ارمنیان بین خود اتحاد کامل نداشتند. انقلابیون را جوانانی تشکیل میدادند که فقط فریفته و مجذوب ایده های نوین بودند ولی بامحافظه کاران و رهبران خردمند نسل پیشین اتفاق نظر نداشتند. هر چند که روشنفکران مسن تروسیله اشاعه ناسیونالیسم نوین بودند و نقش مهمی را در بیداری فکری و آموزش نسل جوانان ایقامی نمودند، اما این روشنفکران به این احزاب نییوسته و آنها را از رهبری خود بی بهره ساختند.

سایر افراد جامعه ارمنی، بخصوص افراد غنی، که علاقمند

به اصلاحات بودند نمیخواستند که به طرق غیرقانونی متوسل شوند. غالب کسانی که زندگانی مرفهی داشتند ، مایل نبودند چندان پولی در این را خرج کرده و جان و مال خویش را در راه انقلاب بخطر اندازند. حتی عده‌ای از سرمایه‌داران خیلی ثروتمند با انقلابیون احزاب بزرگ که دارای دکتترین سوسیالیستی بودند مخالفت میکردند. هیچیک از سه فرقه دینی ، پیروان کلیساهای ملی ارمنیان ، کلیسای کاتولیک ارمنی یا کلیسای پروتستان ، با احزاب سیاسی انقلابی مخالفت نمی‌ورزیدند ، روحانیون با اینکه بطور اعم به امور مذهبی توجه بیشتری داشتند لیکن به بهبود امور سیاسی نیز علاقمند بودند . چنانکه ، گاهگاه کسانی در بین این جماعت ، بخصوص در بین روحانیون کلیسای ملی ارمنی پیدا میشدند که جزو عمال فعال حزبی بشمار میرفتند.

اما در این میان عده قابل توجهی از ارمنیان نیز با توجه به انگیزه‌ها و رویه‌های خاص خود سد راه انقلابیون میشدند که عوامل این امر عبارت بود از مخالفت آنها با شیوه مبارزه‌های حزبی که بنظر آنها بیش از حد مخرب و خطرناک می‌آمد یا تمایل بعضی به حفظ وضع موجود یا تزلزل اراده. از طرف دیگر احزاب هم در داخل دچار تفرقه و چند دستگی بودند و هم در خارج . بالنتیجه نمیتوانستند با یکدیگر وحدت نظر و وجوه مشترك برای مبارزه با مخالفان و دشمنان حاصل نمایند و تعصبات شخصی و مسائل و

علائق هريك از جبهه‌های انقلابی موجبات دلسردی عده‌ای که حتی حاضر بایشان جان و مال خود در راه نیل به آرمانهای ملی خود بودند فراهم مینمود.

محتملاً امکان غلبه بر تمامی این ضعف‌ها زمانی پیش می‌آمد که انقلابیون مورد پشتیبانی دول اروپائی که عاملی حیاتی در پیشرو هدفهای آنان بشمار می‌رفتند قرار می‌گرفتند.

انقلابیون ایده‌آلیست در ارزیابی سیاست و دیپلماسی اروپا زیاده از حد خوشبین بودند و هیچگاه امید نوعی کمک، اعم از نظامی یا غیره را از دست نمی‌دادند و تقریباً پس از گذشت بیش از بیست سال باز هم به اجرای مواد شصت و یک معاهده برلین (یعنی معاهده‌ای که در محافل سیاسی بین‌المللی به‌بونه فراموشی سپرده شده بود) امیدوار بودند بنابراین تظاهرات و جنبش‌هایی گاه و بیگاه که به منظور جلب مداخله دول اروپا صورت می‌گرفت، تحت شرایط زمانی، محکوم به شکست بود.

چنانچه قبلاً اشاره شد، بیشتر مواقع دولت سرجنیانان تظاهرات و زمان آنرا قبلاً میدانست و همیشه عکس‌العمل شدیدی در برابر هر گونه جنبشی نشان میداد که منجر به مرگ ارمیان بی‌دفاع می‌شد. علاوه بر آن گاهی عملیات خشونت‌آمیز احزاب خود عامل دیگری برای ادامه و تشدید مظالم و قتل و انهدام و از بین بردن این ملت باستانی بشمار میرفت دیگر اینکه دولت از نقشه‌های انقلابیون

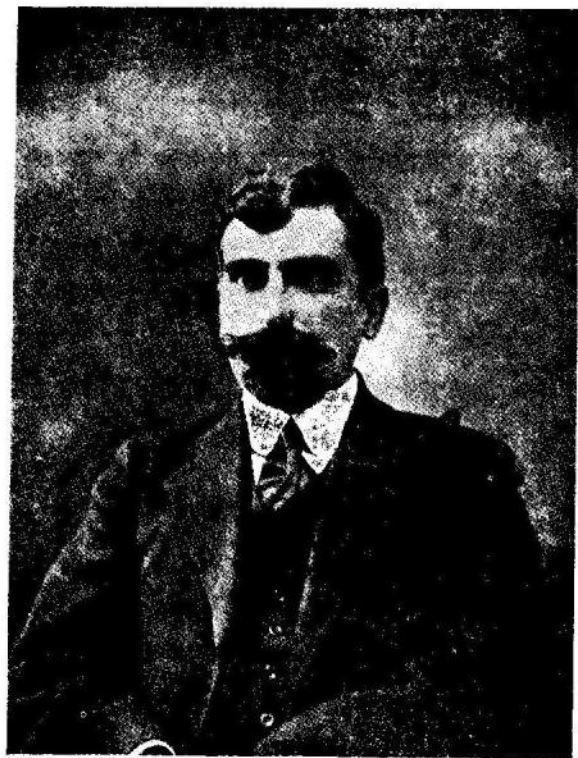
اطلاعات کاملی در دست داشت و پرونده های سازمانهای تأمینیه
مملو از جزئیات دقیق از اعمال و نقشه های رهبران انقلابی چه در
داخل و چه در خارج از کشور بود .

با این حال پس از گذشت بیست سال از فاجعه ، احزاب
همچنان به مقاومت خود در برابر حکومت ادامه میدادند ولی باید
دانست کشتارهاییکه از ملت ارمنی بعمل می آمد باسقوط استبداد
و برقراری مشروطه در عثمانی باز نیز پایان نگرفت و هم چنان دچار
کشتارهای وسیع و وحشیانه بود مانند آنچه که رژیم ترك جوان
(ژون ترك) در ۱۹۰۸ آنرا طرح ریزی کرده بود و این همان حزبی
است که داشناکسوتیون نخست نسبت به آن بسیار خوشبین می بود .
گرچه ملت ارمنی تا سنوات ۲۳-۱۹۱۲ یعنی تا زمان جنگ بالکان
که طی آن تركها در مقابل اتفاق یونان ، صربستان و بلغارستان و
مونگروها شکست خوردند کماکان از اوضاع پر هرج و مرج رنج
می بردند بطوریکه در بحبوحه جنگ بین الملل ۱۹۱۵ تركها به طرز
وحشیانه و در سطحی گسترده و برنامه ای منظم به قتل عام مردان ،
زنان و کودکان ارمنی پرداختند و مقصود این بود که حتی عده بسیار
معدودی نیز در قلمرو آنها باقی نمانند چنانکه پس از این قصایبها و
کشتارهای دسته جمعی از پیر و جوان و کودک و زن و بیمار بقیه را
که تعداد بسیار قلیل بودند از ارمنستان منصرفی خویش

به بیرون رانند. ارمنیان ماوراء قفقاز روسیه تحت سرپرستی
داشناکوتیون، جمهوری ارمنستان را در ۲۸ مه ۱۹۱۸ در ایروان
تشکیل دادند که نتیجه مبارزات پی گیر نظامی و سیاسی بود اما چندان
دوام نیاورد.

در این سال آرام مانوکیان، بعنوان اولین رئیس جمهوری
ارمنستان سفرائی به محالك همسایه اعزام داشت که عبارت بودند از
آرغوتیان سفیر جمهوری مستقل ارمنستان در ایران، بگزادیان
سفیر در تفلیس، پاسترماجیان سفیر در واشنگتن و م. وارانیدیان
سفیر در رم. آخرین نخست وزیر جمهوری ارمنستان وراسیان بوده
است. خانم دیانا آبکار نیز از طرف ارمنستان به ژاپن فرستاده شد.
وی اولین سفیری در تاریخ بوده است که به کشوری دیگر اعزام میشد.
جمهوری مستقل ارمنستان در مساحتی معادل دوازده هزار
کیلومتر مربع تشکیل شده و یک میلیون نفر که متجاوز از سیصد هزار
نفر آنها پناهندگان ارمنستان غربی بودند، نفوس آنجا را بوجود
آوردند.

ارمنستان مستقل از جهت تشکیلات و سازمانها و غیره بسیار
غنی بود و سرمایه داران خصوصی آزادانه در غالب رشته های صنعتی
و تجارت فعالیت میکردند. کشور به ده استان تقسیم شده بود و تمامی
اراضی مزروعی مادام العمر در اختیار روستائیان قرار گرفت.



آرام مانوکیان

معادن کشور را ملی اعلام کردند و از هر جانب فعالیت چشم-گیری در امور آبادانی و عمرانی پدیدار گشت.

حکومت ارمنستان مستقل يك سال دیگر نیز دوام آورده و طی این مدت کنسول ایران در ایروان به مقام سفیر کبیری ارتقاء یافت و هوسپ آرغوتیان به سفارت ارمنستان در ایران منصوب و به کار پرداخت. مناسبات دو دولت بسیار حسنه بود بطوریکه در ۱۹ ماه مه ۱۹۶۰ نمایندگان ایران وارد ارمنستان شدند تا درباره گمرکات و ترانزیت با دولت ارمنستان مذاکره کنند، در ماه فوریه نیز هیئتی مرکب از نمایندگان تجار ارمنستان به تبریز آمده بود تا پیرامون برقراری مناسبات تجاری با مقامات ایرانی مذاکره نماید.

اما بعلت پاشیده شدن رژیم تزاری و بروز اغتشاشات عمیق در اوضاع سیاسی و اجتماعی امپراطوری روسیه، بیشتر نواحی آن امپراطوری در صدد جدائی از روسیه و شناساندن خود به دنیا برآمدند. روسیه پس از پیروزی و سرکوب کردن ارتشهای سفید ایالات سرحدی را مجدداً مورد تجاوز قرار داد. در واقع سیاست آنها همان سیاست امپراطوری رمانوفها بود اما بجای امپراطوری رومانوف اینک اتحاد جماهیر سوسیالیستی روسیه وارد صحنه شده و کشورهای تازه تأسیس را یکی پس از دیگری به کام خود می کشید.

متعاقب همین سیاست، در دوم دسامبر ۱۹۲۰ بلشویکها با

همکاری نظامی ترکان استقلال ارمنستان را از بین بردند . در ۲۶ آوریل ۱۹۲۰ شورای عالی متفقین ، هنگام انعقاد جلسات کنفرانس سانرمو ، از **وودرو ویلسون** رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا دعوت کرد تا مرز بین ارمنستان و ترکیه را با توجه به موقعیت چهار ولایت ارضروم ، تربی زوند (طرابوزان) وان و بیتلیس تعیین کند . ویلسون در ۱۷ ماه همانسال دعوت متفقین را پذیرفته و سرحدات دو کشور را تعیین نمود .

باری ، شرح تاریخ جمهوری ارمنستان و سرگذشت بنیان گذاران آن و تحولات بعدی ارمنستان از این مقوله خارج است و خود مستلزم کتابی جداگانه می باشد . همینقدر باید اضافه کرد که پس از سرنگون شدن جمهوری مستقل ارمنستان بدست بلشویکها ، بار دیگر در ۱۹۲۰ بدست آنها **جمهوری ارمنستان اتحاد جماهیر شوروی** تأسیس گشت . این ناحیه ارمنی نشین روسیه امروزه یکی از جمهوریهای اتحاد شوروی می باشد و پس از آنهمه تلاش ، ارمنیان در احیای موطن کهن پدران خویش باشکست مواجه شدند و بناچار در سرزمین های بیگانه پراکنده گشتند . بدون هیچگونه اغراق باید اذعان داشت که قانع ترین و سعادتمندترین افراد این ملت همانا ارامنه ایران بوده اند که از دیرباز در این سرزمین سکونت داشته و همواره نیز مورد توجه پادشاهان رعیت پرور و هموطنان خود بوده و حلقه ای از زنجیری محسوب می گردند که بهم پیوسته و هر حلقه اش

را گروهی از هموطنان تشکیل داده‌اند. يك حلقه را فارس‌ها، حلقه دیگر زنجیر را آذربایجانیه‌ها، یکی را کرده‌ها، دیگری را ارمنی‌ها و آن دیگر را آشوری‌ها و زردشتی‌ها و غیره. هیچگاه نیز این زنجیر نخواهد گسست زیرا به پرچم سه رنگ وطن بسته شده و پرچمدار نیز شاه خردمند و بشردوست بزرگ ما ایرانیان است.

اگر پرسیده شود که هدف از کتاب کنونی چه بوده باید بگوئیم که هدف ترسیم نموداری از عملیات انقلابی اعم از ادبی و اجتماعی و سیاسی ارمنستان در قرن نوزده بوده است نه تجزیه و تحلیل نتایج پیروزی یا شکست آنها. در مورد وطن پرستانی که از هرسو بانومیدی و حرمان مواجه شدند، گرچه تلاش آنان زوال رژیم عثمانی را سرعت بخشید، لیکن در راه احیای حیثیت ملت خود تا آخرین حد ممکن نبرد کرده و به همان آرمانی معتقد و مومن ماندند که اجداد آنها در قرن نوزده وطنی جنگ آوارا بر به آن معتقد بودند و آن اینکه:

**ما چون میرندگان می‌میریم تا با مرگ
خود در بین کسانی قرار گیریم که جزو
جاودانه‌ها هستند.**

پایان کتاب

م . واراندیان سفیر جمهوری
مستقل ارمنستان در رم



خانم دیانا آبکار سفیر در ژاپن
اولین سفیر زن در جهان



یاسترماجیان سفیر جمهوری
مستقل ارمنستان در واشنگتن



هوسپ آرقونیان سفیر جمهوری
مستقل ارمنستان در ایران



بگزادیان سفیر در تفلیس

یادداشت‌هایی بر

فصل‌های کتاب

و

مآخذ

یادداشت‌هایی بر فصل اول

(از صفحه ۱ تا ۷۲)

۱ - H.F. Lynch و F. Oswald نقشه ارمنستان و ممالک مجاور (لندن ۱۹۰۱): آرتاشس آتگیان ، (ارمنستان و ممالک مجاور (به ارمنی) اشتونکارت ۱۹۴۷. نقشه ، ف. خانزادیان ، - Rapport sur l' unite géographique de l' Armenie (پاریس ۱۹۶۰) آرشاک آلبویادجیان (مرزهای ارمنستان تاریخی) (قاهره ۱۹۵۰) فلیکس آسوالد ، زمین شناسی ارمنستان (لندن ۱۹۰۶) ص ۱۱-۱۲ فردریک مکلا - La nation armenienne, passe, ses malheurs (پاریس ۱۹۲۴ ص ۱۸-۷)

۲ - ارمنیان خود را (های) مینامند.

۳ - ژالک دومورگان ، تاریخ مردم ارمنی - آتگیان نقشه ارمنستان .

۴ - لئون ، م . آلیشان - Sissouan ou l' Armeno cilicie و نیز ۱۸۹۹ ص ۱-۲ géographique et historique

نام کوچک نویسنده بعنوان غوند نیز آورده شده است .

۵ - تاریخ کهن خاور نزدیک تألیف ر. هال (لندن) ص ۴۵۹-۴۵۸

۶ - ب پطرو و سکی (حفریات قلعه اورار تودر کارمیر بلور) اسناد تقدیمی

هیئت شوروی در بیست و سومین کنگره بین المللی شرق شناسان ، تحقیقات ایرانیا ، ارمنیا و آسیای مرکزی (مسکو آکادمی علوم شوروی ۱۹۵۴)

ص ۷۳-۱۷۲

Ibid - ۷ ص ۱۸۲-۱۷۹

۸ - ل. و. کینگ ، آثار بر نزی دروازه‌های شلمانسار شاه آشور ۸۲۵

۸۶۰ ق. م (لندن ۱۹۱۵) ص ۲۷-۲۲-۱۳-۱۰ کلیشه‌های ۱۱-۱۲

۱۰ - شرح کامل کتیبه‌های اورارتو به چاپ رسیده است . ا . سانس
کتیبه‌های اورارتی را از رمز خارج ساخته و آنها را سنگ نبشته‌های
(وانیک) Vannic نامیده است . کشفیات وی از ۱۸۸۲ تا ۱۹۲۹ بصورت
مستمر در نشریات انجمن سلطنتی آسیائی چاپ شده است .

در این مورد کشیش ا. هینکس ، م. لنورمانت ، دکتر ا. د. موردتمن ، دکتر
اوئی دورا برتس و ستانیسلاس گویلارد نیز تحقیقاتی کرده‌اند .

۱۱ - ماردیروس ا. آنانیکیان (اساطیر ارمنستان) ، اساطیر تمامی

اقوام (بوستون ۱۹۲۵) جلد ۷-۲

۱۲ - هرودوت . جلد ۷ ص ۷۳-آرشاک سفر استیان استاد دانشگاه لندن
بر این عقیده است که هرودوت در نسبت دادن ریشه ارمنیان به فریگیانها در
اشتباه بوده و اینکه این اشتباه را غالب مورخین امروزه نیز مرتکب شده‌اند
سفر استیان می نویسد که پس از تحقیقات بسیار به این نتیجه رسیده که فریگیانها
هیچگاه به ارمنستان کوچ نکرده‌اند و ارمنیها در طول تاریخ با سامی مختلفی
شناخته شده‌اند . تاریخ فرهنگی آنان به زمان هوریانها مربوط میشود و اینان
کسانی هستند که بعدها بعنوان اورارتی‌ها شناخته شدند و امروزه نیز ارمنی‌ها
یا، های‌ها نامیده میشوند .

۱۳ - رنه گروسه - Histoire de l'Amenie de origines

(paris 1947) ۱۰۷۱ ص - ۷۳-۶۹

۱۴ - ساهاک ترموسسیان (تاریخ ارمنستان از آغاز تا بحال) و نیز

۱۹۲۲-۱-۱۷۰-۱۴۷

۱۵ - Ibid ص ۲۲۸

۱۶ - به کتاب سترابو و سایر مورخین عهد کهن ، بخصوص پلوتارخ
تاسیتوس و پلینی رجوع شود . کتاب تیگران کبیر ، یک یوگرافی
تألیف هراند ، ک، آرمس (دترویت ، ۱۹۴۰)

۱۷ - برای جزئیات بیشتر به (فتودالیتیه در ارمنستان کهن دوره آرشاکوتی و مرزبان) تألیف ها کوپ ماناندیان چاپ ایروان ۱۹۳۴ رجوع شود .
ماناندیان معتقد است که در مورد مراحل اولیه فتودالیتیه در ارمنستان مدارک کافی نداریم و اینکه فتودالیتیه بعدتی بسیار طولانی در ارمنستان ادامه یافت و مدت ها پیش از دودمان آرتاشسیان وجود داشته است آغاز زوال این رژیم قبل از نیمه دوم قرن چهاردهم صورت گرفت .

فتودالیتیه در ارمنستان همان جنبه اجتماع فتودالی را داشت که قرن ها بعد در غرب نیز پدید آمد .

۱۸ - آرشاکوئی های ارمنستان پیش از اشکانیان ایران که در سده ۲۲۷ میلادی جای خود را بدودمان سامانی دادند ، دوام آوردند .

۱۹ - ملاکیا اورمانیان - کلیسای ارمنستان - لندن ۱۹۱۲ ،

ص - ۱۰

۲۰ - Ghevond M. Alishan (طلوع مسیحیت ارمنستان)

(چاپ سوم بهار منی ، و نیز ۱۹۲۰) ص - ۱۵۶

Edgar Goodspeed ، دوازده حواری (فیلا دلفیا ۱۹۵۷) ص - ۹۸

۲۱ - Ormanian ناباب . ص - ۲

۲۲ - Ibid ص - ۵۸

۲۳ - Y.T-Minasian (ادبیات ارمنی در عصر زرین) ایروان

۱۹۴۶ ص ۶-۷ (بهار منی)

۲۴ - Y.A. Manadian ، بررسی مختصر تاریخ ارمنستان کهن

(ص - ۱۶)

۲۵ - ی - ت - میناسیان ص - ۸-۹

۲۶ - Yeghishe tourian (تاریخ ادبیات ارمنی) اورشلیم ۱۹۳۳

ص - ۱۰-۷ (بهار منی) زندگی مسروب ماشتوتس بهار منی . (قاهره ۱۹۵۴)

ص ۱۳-۶-۵

۲۷ - اورمانیان - ص ۲۲

۲۸ - کلیسای ارمنی بعدها آن دورا تقدیس کرد.

۲۹ - تورانیان - ص ۲۴-۲۱ متن اصلی غالب این ترجمه ها از بین

رفته و تنها ترجمه ای که باقی مانده است، تاریخ اوزیوس ، وهومیلیس و سن ژان کریستوستوم است .

۳۰ - تاریخ وارطان و جنگ ارمنیان ، شامل شرح جنگهای مذهبی بین

ایرانیان و ارمنی ها ترجمه از ارمنی بوسیله س - ف - نیومان . تألیف استف الیسوس

۳۱ - Sirarpie der nersesian ، ارمنستان و امپراطوری

بیزانس (کمبریچ ۱۹۴۵) ص ۸-۱۷ و ۱۴

۳۲ - Ibid ص ۹-۸

الف - دیوید مارشال لنگ ، ارمنستان گهواره تمدن چاپ اکسفورد

۳۳ - H.Adontz (پژوهش های تاریخی) (پاریس ۱۹۴۸)

ص ۵۱-۲۴

۳۴ - A.A. Vasiliev ، تاریخ امپراطوری بیزانس ۱۴۵۳-۳۲۴

(ص ۳۱۴) چاپ مادیسون و اسکونسین

۳۵ - ی. ا. ماناندیان . ص ۳۲

۳۶ - لئو، آئی (به ارمنی) یروان ۱۹۴۶ ص ۴۰-۳۷

۳۷ - دومورگان . ص ۱۶۸-۱۶۵ ، اینها عبارت بودند از سلطنتهای

آنزو استیک ، روستونیک واسپورگان ، سیونیک ، لوری ، تایک و قارص

۳۸ - Supra ص ۳-۲

۳۹ - Supra ص ۳

۴۰ - دومورگان ، ص ۲۷۴ و ۲۷۳

۴۱ - وی سال ۱۳۹۳ در پاریس بدرود حیات گفت و امروزه نیز مقبره

اودرسن دتیس باقی مانده . برای اطلاع بیشتر به تاریخ جامع ارمنی تألیف

نگارندگان همین اثر و کتاب لئون پنجم لوزیگنان ، آخرین شاه ارمنستان
تالیف ك.م. باساجیان . پاریس ۱۹۰۸ رجوع شود.

۴۳ - ه. کوردیان (نظری بر بیوگرافی سرآنتونی شرلی) (ماهنامه

هایرنیک) ۱۴ سپتامبر ۱۹۳۶ ص ۱۷۴

۴۴ - زندگی و ماجراهای امین ژوزف امین ۱۸۰۹ - ۱۷۲۶ نوشته
ژوزف امین (چاپ اسی آپکار کلکته چاپ دوم ۱۹۱۸) ص ۳۶۰-۳۳۳ این
پنج ولایت عبارت بودند از گنستان، شراپیرت، خاچین، وارند اوتیزاك.

۴۵ - تاریخ ارمنستان (هابونس پاتموتیون) نوشته لئون (ایروان)

۱۹۴۶ فصل ۳ ص ۱۹۱-۱۸۷

۴۶ - بطروس کاسارچیان (شاذی یاشادی مرات کیست ؟) (به ارمنی)

نراور (روزنوبین) ۲۳ دسامبر ۱۹۴۹ .

۴۷ - Ibid ص ۱۹۷-۱۹۳ ، آلیشان (هوشتیق هایرنیانس هایوتس

(نظری بر سرزمین اجدادی و مردم ارمنی) ونیز ۱۸۶۹ - ص ۵۳۰-۵۲۴

۴۸ - ه. میساک La pere ottoman ۱۶۷۶ - ۱۶۴۴ پاریس

۱۹۰۳ ص ۲۹-۱۰

۴۹ - مالاکیا اورمانیان (آزگپاتوم) داستان ملت (اورشلیم ۱۹۲۷)

جلد ۲ ص ۲۶۱۴-۲۶۱۰

۵۰ - هایوتس پاتموتیون - ۳ ص ۸۹-۵۲۰ تاریخ زندگی ایزرائیل

اوری بوسیله آشوت جوهانسیجان بنام - (Israel ory und die

Armenie Befreiungsidee) در مونیخ ۱۹۱۳ نوشته شده . به کتاب

(سالیان اولیه زندگی ایزرائیل اوری) ماهنامه هایرنیک نشریه ۲۴ (ژانویه

۱۹۵۶) ص ۷۸-۷۰ رجوع شود . (ایزرائیل اوری در مسکو) Ibid فوریه

۱۹۵۶) ص ۸۰-۷۹ .

۵۱ - ادموندیرك : نامه های ادموند یرك کمبریج ۱۹۶۱ - ۱۹۵۸)

ص ۱۲۲-۱۲۲ جلد دوم - ۳۵۹-۳۶۰

۵۲ - لازاریان شدیداً تحت تأثیر ایده های امین قرار گرفت و سالها بعد

با همکاری اسقف آوغوتیاننس ، سعی کرد که توجه روسیه را به مسئله

ارمنی‌ها جلب کند . لازاریان با ارمنیان مدرسنیز تماس‌هایی داشت (کتاب
هابوتس‌پاتموتیون) از لئون - فصلی دوم کتاب حاضر رجوع شود .

۵۳ - امین - بیوگرافی خود را تحت عنوان (زندگی و ماجراهای ژوزف
امین ، يك ارمنی ، نوشته شده بزبان انگلیسی بقلم خودش برشته تحریر در -
آورده - لندن ۱۷۹۲ ص - ۶۴

۵۴ - نوئل باکستون و هارولد باکستون سفر و سیاست در ارمنستان
(لندن ۱۹۱۴) ص ۲۰۹

۵۵ - اورمانیان (آژگپاتوم ، قسطنطنیه ۱۹۲۴ جلد سوم ص ۳۶۹۹
۳۶۸۵ - ۵. ف. ب. لینچ سیر و سیاست در ارمنستان (لندن ۱۹۰۱) جلد اول
ص ۲۱۹ - ۲۱۸ و ۲۳۵ - ۲۳۳. ج. - باسماجیان (تاریخ نوین ارمنی‌ها) پاریس
۱۹۱۷ . ص ۶۱ - ۵۹، ب. ۱. بوریان (ارمنستان . دیپلماسی بین‌المللی و روسیه
شوروی) چاپ مسکو و لنینگراد به روسی ۱۹۲۷) جلد اول - ص ۱۶۷
۵۶ - واهه صرافیان (ارمنستان ترکیه و آمار مهاجرین) -

Armenian Review شماره ۹ (پائیز ۱۹۵۶) ص ۱۱۹

۵۷ - ا. و. سرکیسیان (تاریخ مسئله ارمنی تا ۱۸۸۵) (اوربانا - ۳ -
۱۹۳۸) ۱۶ - ۱۴

Ibid - ۵۸ ص ۱۹ - ۱۷

۵۹ - جان ا. ر. ماریوت (مسئله خاور) چاپ چهارم اکسفورد ۱۹۵۱
ص ۳۱۱ - ۲۵۰

۶۰ - ادوین پیرز - زندگی عبدالحمید (نیویورک ۱۹۱۷) ص ۱۰۲

۶۱ - فردیناند Schevill ، تاریخ شبه جزیره بالکان (نیویورک ۱۹۲۲)

ص ۲۱ - ۴۲

۶۲ - C.B.Norman - ارمنستان و جنگ ۱۸۷۷ (لندن ۱۸۷۸)

ص ۳۱۳ - ۳۳۰ - ۲۹۳ - ۲۶۳ - ۲۳۵ - ۲۳۴ - ۲۰۲ - ۲۰۰ -

Henry fanshaw tozer ارمنستان ترکیه و آسیای صغیر (لندن ۱۸۷۱)

ص ۴۱۹ - ۴۱۶

۶۳ - مارو خان (مسئله ارمنیان و اساستامه ملی ارمنی‌ها در ترکیه

۱۸۶۰ - ۱۹۱۰) به ارمنی (تفلیس ۱۹۱۲) ص ۳۶۱ - ۳۵۳

۶۴ - اسناد بریتانیا ۱۸۷۷-۷۸ شماره ۶۹ ص ۷۳۹. م. ج. - رولین ژاکونین، ارمنستان، ارمنی ها و معاهدات (لندن ۱۸۹۱) ص ۳۳. در مورد معاهده سانستیفانو می نویسد که: این معاهده اولین قرارداد بین المللی است که در آن از ارمنستان صحبت شده.

۶۵ - بریتانیای کبیر، اسناد دولتی ۱۸۷۸ - ۱۸۷۷ شماره ۶۹

ص ۷۶۶

۶۶ - Ibid ص ۷۴۶-۷۴۵

۶۷ - بریتانیای کبیر، اسناد مربوط به امور ترکیه انتشارات Parl سال ۱۸۷۹ شماره ۸۹ ص ۲۲۰۵ ترکیه شماره ۵۴ (۱۸۷۸) - سند شماره ۲۲ نامدهای ارمنیان دهات آق به معاون کنسول بیلوتی، ص ۱۰۰-۱۸۸ انگلستان - مکاتبات مربوط بوضع ملت در آسیای صغیر و سوریه انتشارات پارل - ۱۸۷۹ شماره ۹۰ (اسناد و مدارک)

۶۸ - Ibid جلد ۹۰ شماره ۱ - کاپیتان تروتر Trotter به مارکیز

سالیسبری (دریافت در ۵ دسامبر) ص ۱-۳، ارمنستان و جنگ ۱۸۷۷ از نوزمان (لندن ۱۸۷۸) ص ۲۶۳

بادداشتنهائی بر فصل دوم (صفحه ۷۲ تا ۱۲۸)

- ۱ - مالاکیا اورمانیان . کلیسای ارمنی (لندن ۱۹۱۲) ص ۱۵۶ - ۱۵۰
برتراند باریله در مقدمه چاپ فرانسوی این کتاب می نویسد (در قانون
دموکراتیک کلیسای ارمنی آزادی فکری کامل وجود دارد ...)
- ۲ - پطروس کاسارجیان (کلیسای اسقفی ارمنی ها و حکمت آن) به ارمنی .
(پاریس ۱۹۴۵) ص ۹۱
- ۳- لئون (هایوتس باتموتیون) (ایروان ۱۹۴۶) جلد ۳ ص ۹۳۷ . تر
نخجوان گاهی اوقات نخجوان جدید نامیده میشود .
- ۴ - گارگین زاربانالیان (تاریخ ادبیات ارمنی) به ارمنی (ونیز ۱۹۰۵) جلد
۲ ص ۱۱-۶ میناس نوریخان زندگی و دوران (۱۷۵۰-۱۶۶۰) خدمتگزار
خداوند ، راهب مختیار ترجمه جان مک کیلان (ونیز ۱۹۱۵) ، ص ۴۵-
۴۴ ، ۵ - ج - سرکیس ، (رئیس ارمنی ۱۸۶۳-۱۵۰۰) ژورنال تاریخ
نوین ، ۹ (دسامبر ۱۹۳۷) ص ۴۳۸ گورگ صرافیان تاریخ فرهنگ
ارمنستان (انتشارات لاورن کالیفرنیا ۱۹۳۰) ص ۱۲۸-۱۱۷
- ۵- گارگین لئونیان ، (کتاب ارمنی و صنعت چاپ) (بروان ۱۹۴۶) ص ۸۱
- ۶ - صرافیان ، نایاب ص ۱۳۷
- ۷ - Levonian . نایاب ص ۸۲
- ۸ - Ibid ص ۸۲
- ۹ - Nurikhan ص ۱۵۵ - ۱۵۳
- ۱۰ - Zarbhanalian جلد دوم ص ۳۲۰

۱۱ - Mesrop Djanachian (تاریخ ادبیات مدرن ارمنی ، چاپ ارمنی ونیز ۱۹۵۳ ص ۹

۱۲ - Ibid ص ۲۳ این دستور زبان کلاسیک ارمنی در ۱۷۳۰ چاپ شده بود .

۱۳ - Ibid ص ۲۴ این دستور زبان بسال ۱۷۲۷ چاپ شده بود مخیتر نیز دستور زبان مادری دیگری بسال ۱۷۲۶ تألیف کرده هنوز به چاپ نرسیده .

۱۴ - گارگین زاربانالیان (تاریخ چاپ ارمنی از آغاز تا بحال) به ارمنی چاپ ونیز ۱۸۹۵ ص ۸-۹

۱۵ - Ibid ص ۴۳- پسر آتگار تبیر . موسوم به سلطان شاه ، در رم باقی ماند پاپ ویرا تبعید کرده و نام مارکوس آنتونیوس یا مارکو آنتونیورا بر او گذاشت وی بعنوان يك استاد ارمنی در واتیکان خدمت میکرد .

۱۶ - Ibid ص ۴۷ باتوجه به پیشرفت سریع و اختراعات جدید علمی ، صنعت چاپ رشد بسیار اندکی داشته است . چاپ آتگار تبیر در قسطنطنیه (۱۵۶۷) نیز دومین چاپی بود که در ترکیه بوجود آمد . اولین چاپخانه در ولایات ارمنی ترکیه تقریباً سه قرن بعد در ۱۸۵۸ تاسیس شد . ارمنی ها اولین کسانی بودند که چاپ را در ایران تاسیس کردند ، یعنی اولین چاپخانه ایران در جلغای اصفهان و در صومعه ارمنی آمل پرکیچ تاسیس شد و اولین کتاب در ۱۶۴۰ ، دو قرن پس از اختراع چاپ گوتنبرگ در این چاپخانه به چاپ رسید .

۱۷ - زابانالیان - ص ۱۰۹ - ۹۶

۱۸ - Ibid ص ۵۹ - ۲۵۳

۱۹ - مسروپ . جکوب ست . (ارمنی ها در هندوستان) کلکته (۱۹۳۷) ص ۸۰ - ۵۷۹

۲۰ - شامیر شامیریان که بنام آقا شامیر سلطانومیان نیز نامیده میشود

۲۱ - لئو - Hayots Patmuthiun جلد سوم صفحه ۸۰۶ - ۸۰۳

۲۲ - Seth نایاب ص ۵۹۶

۲۳ - لئو (هایوتس پاتموتیون) جلد ۳ ص ۱۰۳۲ - ۱۰۲۴

۲۴ - Ibid ص ۱۰۳۷ - ۱۰۳۴

۲۵ - Ibid ص ۸۰۸

۲۶ - نامه های منتشر نشده شاهان ژریت به کاتولیکوس غوکاس

سپتامبر و اکتبر ۱۹۲۳ ص ۱۳۹ (متن کامل ص ۱۴۰ - ۱۳۴) ، نسخه هایی از این نامه ارمنی همراه با ترجمه فرانسوی آن به سفیرای دانمارک و پروس در قسطنطنیه داده شد. راهب درخواست کرده بود که نامه اش را به کاتولیکوس اچمیادزین در ارمنستان روسیه بدهند . باید خاطر نشان کرد که این نامه اندکی پس از مرگ کاتولیکوس غوکاس در پاریس نوشته شده بود .

ژاک شاهان دوسیرید استاد زبان ارمنی دانشکده زبانهای زنده در پاریس بود ، وی با همکاری ف . مارتین کتابی تحت عنوان *Recherches Curieuses sur L'histoire ancienne de L'Asie* (Paris 1806)

برشته تحریر در آورده است .

وی با همکاری (میرداد - زادور دوملیک شاه نظر) کتاب دیگری تحت عنوان *Details Sur la Situation du royaume de Perse* (پاریس ۱۸۱۶) نوشت .

۲۷ - ه . پاسدراماجیان ، تاریخ ارمنستان (پاریس ۱۹۴۹) ص ۲۹۸ .

۲۸ - Rey. حمایت سیاسی... (پاریس ۱۸۹۹) ص ۵۰ - ۳۴۹

۲۹ - پاسدراماجیان ص ۲۹۸

۳۰ - فردریک مکلو ، سیری در تاریخ فرانسه و ارمنستان (پاریس ۱۹۱۷) ص ۲۶ .

۳۱ - در مورد سال تولد آبوویان اساتید و مورخین اتفاق نظر ندارند . در محاسبه تاریخ مزبور طرق متعددی هست که بر حسب آنها تواریخ ذیل

بدست می آید: ۱۸۰۴ - ۱۸۰۵ ، ۱۸۰۵ - ۱۸۰۶ ، ۱۸۰۶ - ۱۸۰۷ و ۱۸۰۹

۳۲ - این مجله در ۱۸۴۰ - ۱۸۴۱ برشته تحریر درآمده و در ۱۸۵۸ ده سال پس از ناپدید شدن آبوویان در قفس منتشر شد .

- ۳۳- سفر استیان (افکار و ادبیات ارمنی از ۱۸۲۸) در Asiatic Review شماره ۲۶ آوریل ۱۹۳۰، ص ۳۳۲.
- ۳۴- سیمون یرمیان، (شخصیت‌های ملی، ادبای ارمنی) و نیز ۱۹۱۳ جلد ۳ ص ۲۷۵-۲۶۵.
- ۳۵- Ibid ص ۳۶۵-۲۷۶
- ۳۶- جانانچیان، ص ۲۳۰
- ۳۷- فردریک پاروت، سفر به آرارات، ترجمه و.د. کولی (نیویورک ۱۸۴۶، ص ۶-۱۲۵.
- ۳۸- جانانچیان - ص ۲۳۰
- ۳۹- Ibid ص ۲۳۲
- ۴۰- و. پارتی زونی (خاچاپور آبوویان، کیانک یوستقدازاگورزوتیون) (خاچاپور آبوویان، زندگی و آثارش) پروان ۱۹۵۲ ص ۶۵
- ۴۱- جانانچیان، نایاب ص ۲۲۲
- ۴۲- Marietta Shaginian (خاچاپور آبوویان) ادبیات شوروی (مسکو ۱۹۵۶) شماره ۱ ص ۱۴۰
- ۴۳- Leon Arpee، بیداری ارمنه (شیکاگو ۱۹۰۹) ص ۵۱
- ۴۴- گورک اصلان (ارمنه و ارمنستان از اعصار پیشین تا جنگ بزرگ ۱۹۱۴) از کتابخانه شخصی دکتر الکساندر پادماگریان
- ۴۵- آرپی - ص ۵۸
- ۴۶- Ibid ص ۹۶-۹۵
- ۴۷- Ibid ص ۹۹
- ۴۸- Ibid ص ۱۳۲
- ۴۹- Ibid ص ۱۳۷
- ۵۰- Ibid ص ۱۳۸
- ۵۱- سرکیسیان، تاریخ مسئله ارمنه تا ۱۸۸۵ ص ۱۱۷
- ۵۲- ساروخان، هایکاگان خندیرن... ص ۵

۵۳ - Ibid ص ۷-۵

۵۴ - Ibid ص ۸

۵۵ - اورمانيان (آزگپاتوم) ۳ ص ۳۷۹۸

۵۶ - ميکائيل وارانديان ، (هايکاکان شارژمان ناخاپاتوتيون) (تاريخ

مقدماتي نهضت ارمني) (ژنوا ۱۹۱۲) جلد ۱ ص ۲۴۶-۲۵۰ - ساروخان ص ۸-۹

۵۷ - ساروخان، Ibid ص ۱۰

۵۸ - وارانديان جلد ۱ ص ۴۸-۴۷

۵۹ - بدنبال استقلال يونان از امپراطوري عثماني (۱۸۳۲) تجار ارمني جاي

يونانيها وهمچنين فرانسويها را بعنوان پيشه‌وران تجارت اشغال کردند.

دراواسط قرن نوزده ، امور تجاري بين اروپا و ترکيه انحصاراً در دست

تجار ارمني بود. اين وضعيت اقتصادي در کمک و پيشرفت ارامنه ترکيه

اهميت خاصي داشته است .

60. Leo, *Thiurkahai Heghapokhuthian Gaghaparabanuthiune*, I, 31.

61. Nersessian, *op. cit.*, pp. 122-123.

62. Frederick Millingen (Osman-Scify-Bey), *La Turquie sous le règne d'Abdul-Aziz 1862-1867* (Paris, 1868), pp. 168-170.

63. *Ibid.*, p. 168.

60. Sarafian, *op. cit.*, p. 196.

61. Varandian, *op. cit.*, I, 251-254; see also Archag Tchobanian, *Victor Hugo, Chateaubriand, et Lamartine dans la littérature arménienne* (Paris, 1935), and James Etmekjian, "The French Influence on the Western Armenian Renaissance, 1843-1915" (unpublished Ph.D. dissertation, Brown University, 1958).

62. *Azgayin Sahmanadruthiun Hayots 1860* [*Armenian National Constitution 1860*] (Constantinople, 1860), p. 46. (Pages not numbered beyond p. 43.)

63. *Azgayin Sahmanadruthiun Hayots* [*Armenian National Constitution (of 1863)*] (Constantinople, 1908), p. 10. For the complete text in an English translation see H. F. B. Lynch, *Armenia Travel and Studies* (London, 1901), II, 445-467.

64. Sarukhan, *op. cit.*, p. 11.

65. *Ibid.*, pp. 247-249.

66. *Azgayin Sahmanadruthiun Hayots* [of 1863], pp. 12-13.

67. Leon Arpee, *op. cit.* (Chicago, 1909), p. 193.

68. Leo, *Grigor Ardzruni* [in Armenian] (Tiflis, 1903), II, 70.

69. Pasdermadjian, *op. cit.*, p. 301.

70. Oshagan, *op. cit.*, pp. 274-276.